

تورم در اقتصاد ایران؛ از سیاست‌های پولی- مالی تا شیوه‌های حکمرانی

۸



از سوی سندیکای شرکت‌های ساختمانی مطرح شد
درخواست تمدید رتبه‌های ۱ و ۲ پیمانکاران
از نظام فنی و اجرایی

۳۰

کاهش قیمت تامین
مصالح ساختمانی با
استفاده از قرارداد تهاتر

۳۶



ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

سال ۳۵ | مرداد ماه ۱۳۹۹ | شماره ۳۸۸ دوره جدید ۱۵۸

Syndicate Of Iran Construction Companies
Monthly Magazine

- حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پور آقا
- خبرنگار: آرزو نوری
- عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
- مسئول تبلیغات و آگهی: سید مهدی برقی
- لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

- صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
- مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری
- شورای سیاست‌گذاری:
- مهندس منوچهر ملکینانی فرد (نماینده هیأت مدیره)
- مهندس جواد خوانساری (مدیرمسئول)
- مهندس بهمن دادمان (رئیس هیأت مدیره)
- دکتر ایرج گلاتونچی (دبیر سندیکا)
- مهندس سالار علیاری (خزانه‌دار سندیکا)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سر دبیر)
- رئیس کمیسیون انتشارات: مهندس علی ورزنده
- سر دبیر: مهندس محمود مصطفی‌زاده
- کمیسیون انتشارات و تحریریه:
- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سر دبیر)
- مهندس محمدعلی پور شیرازی (کمیسیون عضویت و پیگیری)
- مهندس سیامک مسعودی (کمیسیون قوانین و مقررات)
- مهندس علاءالدین سادات باریکانی

فهرست مطالب

- | | | | |
|--|----|---|----|
| اصلاح کارمزد صندوق ضمانت صادرات
خبر | ۱۷ | تورم در اقتصاد ایران؛ از سیاست‌های مالی - پولی تا شیوه‌های
حکمرانی سرمقاله | ۸ |
| «نگاهی به آینده مهندسی عمران در ایران»
برگزاری وبینار | ۱۷ | دولت پایه‌گذار جریان تازه‌ای در مسیر صادرات باشد
دیدگاه | ۱۰ |
| اصلاحات اقتصادی حکمرانی مناسب
سیاست‌گذاری موثر / دیدگاه | ۱۸ | جزئیات بسته قیمت‌گذاری دولت برای سیمان و میلگرد
خبر | ۱۱ |
| دیوارهای جداکننده داخلی بیشترین آسیب را در زلزله
وارد می‌کنند / نشست وزیر | ۲۳ | آزادراه اراک - خرم‌آباد، بروجرد را به بن بست می‌کشاند
خبر | ۱۱ |
| دلایل موفقیت و شکست ۹ کشور در مواجهه با بحران تورم
گزارش | ۲۴ | طراحی سازه‌های بتنی به آیین‌نامه‌های داخلی
متکی می‌شود / نشست | ۱۲ |
| مکاتبات
مکاتبات سندیکا با نهادها | ۲۶ | «زمان» و «زمین» زمینه سرمایه‌گذاری را تغییر داده‌اند
مقاله | ۱۳ |
| کاهش قیمت تامین مصالح ساختمانی با استفاده از قرارداد تهاتر
خبر | ۳۶ | اقتصاددانان در ایران از ایستگاه سیاست‌گذاری حذف شده‌اند
گفتگو | ۱۴ |

نوشته‌های نویسندگان، لزوماً نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار است و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)،
شماره ۸۶، ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱ | تلفن: ۰۰۶۶۹۷۱۴-۰۶۶۴۴۲۶۱-۰۶۶۴۰۲۰۳۷
فکس: ۰۸۴۰۶۶۴۴۰۸۴ پست الکترونیکی:
payamabadgaran@yahoo.com
نشانی الکترونیکی: www.acco.ir



تورم در اقتصاد ایران؛ از سیاست‌های مالی - پولی تا شیوه‌های حکمرانی

سرمقاله

را حفظ خواهد کرد و متناسب با آن، بانک مرکزی هدف تورمی خود را در میان مدت به سمت نرخ‌های پایین‌تر بازنگری خواهد کرد. این اقدام بانک مرکزی در ایامی که افزایش قیمت‌ها همچنان یک معضل ملی به شمار می‌آید، قابل توجه است و نشان می‌دهد که سیاستگذار پولی به شرایط اسفناک جامعه اشراف دارد و تلاش می‌کند گام‌های مفیدی در این راستا بردارد. از نظر علمی کامل شدن چرخه کنترل تورم در فضای سیاست‌گذاری اخیر، مستلزم اعلام نرخ تورم هدف و تشریح فرآیندهای لازم برای تحقق این هدف است. چارچوب هدف‌گذاری تورم یک ابزار برای جهت‌دهی به سیاست‌های پولی بانک مرکزی است.

تورم در ایران یک واقعیت نیم قرن است که همزاد رشد نقدینگی است. اما اقتصاد ایران سه سال پیاپی است که درگیر تورم‌های بالاست، اتفاقی که در هیچ دولتی طی ۴ دهه گذشته سابقه نداشته است. اجماع کارشناسان این است که تورم در ایران هم

تعیین کرد. این نهاد مالی در توضیح هدف‌گذاری نرخ تورم خود تاکید کرده است: با توجه به سیاست‌ها و اقدامات اتخاذ شده و همچنین باتوجه به وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی کشور، بانک مرکزی اعتقاد دارد که در چارچوب فرضی‌ها و سناریوهای واقع‌بینانه، نرخ تورم در سال جاری به روند کاهنده خود ادامه خواهد داد. بر این اساس، بانک مرکزی هدف نرخ تورم خود را ۲۲ درصد با دامنه مثبت و منفی ۲ واحد درصد تعیین می‌کند که با توجه به کاهش قیمت‌های جهانی، حجم اوراق در حال انتشار، وضعیت ترازنامه بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نرخ‌های سود موجود، این هدف تورمی به صورت پایدار قابل دستیابی است. هرچند با توجه به نرخ‌های سود، سیاست پولی همچنان انبساطی باقی می‌ماند، ولی به تدریج و با بازگشت متغیرهای واقعی به روندهای طبیعی، از انبساط سیاست پولی کاسته شده و نرخ تورم روند کاهشی خود

تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نرخ تورم سالانه مرداد ماه ۱۳۹۹ برای خانوارهای کشور به ۲۵٫۸ درصد رسیده که نسبت به ماه قبل، ۰٫۶ درصد کاهش دارد. این در حالی است که تورم نقطه به نقطه (تغییر شاخص نسبت به ماه مشابه سال قبل) به ۳۰٫۴ درصد رسیده که نسبت به ۲۶٫۹ درصد ماه قبل تا ۳٫۵ درصد افزایش دارد. این روزها در برخی محافل اقتصادی از ونزوئلایی شدن اقتصاد ایران (ظهور ابر تورم) سخن گفته می‌شود، صرف نظر از اینکه این سخن قابل نقد است اما هشدار دهنده است چرا که مشخص می‌کند در ذهنیت برخی از کارشناسان اقتصادی تیره بینی و یاس‌نگری در حال غلبه بر راه‌های امیدبرانگیز و راهکارهای مدبرانه است.

این در حالی است که بانک مرکزی خرد دامه امسال طی بیانیه‌ای چارچوب هدف‌گذاری نرخ تورم را اعلام و بر این اساس، هدف نرخ تورم خود را برای بازه زمانی یک‌ساله، ۲۲ درصد با دامنه مثبت و منفی ۲ واحد درصد

ریشه اقتصادی و هم ریشه‌های سیاسی دارد. از همین روست که سیاست کاهش تورم صرفا نباید محدود به یک برنامه اقتصادی یا سیاست مالی و پولی باشد.

از نظر کارشناسان شرایط اقتصادی کشور در حال حاضر به گونه‌ای است که اگر در شیوه حکمرانی اقتصادی اصلاحاتی صورت نگیرد، ایران به یکی از الگوهای ناکارآمدی اقتصاد در جهان تبدیل خواهد شد. با توجه به اینکه بانک مرکزی تنها سیاست‌های پولی کشور را تنظیم می‌کند و تأثیری در شیوه‌های حکمرانی و عوامل کلان موثر بر تحریم مانند تنظیم سیاست خارجی یا تنظیم سیاست‌های اقتصادی کشور و کاهش تنش در عرصه‌های داخلی و خارجی ندارد، بنابراین نمی‌توان به این هدف گذاری چندان امیدوار بود مگر آنکه تحولات تازه‌ای رخ دهد.

تورم در ایران ارتباط مستقیمی با میزان دسترسی کشور به دارایی ارزی خود، تنظیم روابط خارجی، میزان رشد نقدینگی، میزان تحریم‌های خارجی و شدت اجرای آنها، میزان تسهیل در روابط تجاری و در نهایت نحوه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت و پولی بانک مرکزی دارد. براساس تجربه سالیان اخیر، در هر دوره یک یا چند موضوع علت رشد تورم بوده است. در دوره‌ای دلارهای ارزان در بازار موجب رشد نقدینگی می‌شود، در دوره‌ای تحریم‌ها موجب کاهش درآمدهای ارزی و به تبع آن گرایش دولت به خلق پول یا درآمد از طریق افزایش نرخ کالاها و خدمات می‌شود، در دوره‌ای هم سیاست‌های مالی و پولی انبساطی به تورم سرسام آور دامن زده است. با این حال ضعف حکمرانی اقتصادی و عدم الزام و پایبندی نهاد حاکمیت (فرا تر از قوه مجریه) به برنامه‌های توسعه محور، عدم ثبات سیاست‌های مالی و پولی در کنار فشارهای خارجی و تحریم‌ها که موجب افزایش نرخ مبادله و شکل گیری تورم انتظاری می‌شود، از عوامل اصلی عدم مقابله با تورم هستند. نکته جالب البته تاسف برانگیز این است که پدیده تورم در عرصه جهانی، دیگر آن معادله مجهول چنددهه پیش نیست که خیلی از جوامع را آزرده کرده بود، بلکه اکثریت قریب به اتفاق کشورهای توانسته‌اند برای مهار آن راهکارهای موفقیت آمیز و پایدار بیابند و امروز جز چند کشور معدود از جمله ایران، کمتر کشوری وجود دارد که با این پدیده دست و پنجه نرم کند.

در سه سال اخیر تقریبا همه عوامل تولید تورم در کنار هم مشغول عملیات تورم زایی بوده‌اند. در حوزه سیاست خارجی شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران اعمال شده است و دولت کمترین دسترسی به میزان دارایی ارزی داشته است. از طرفی در میزان رشد نقدینگی نیز به بالاترین سطح سال‌های اخیر رسیده‌ایم. سیاست‌های پولی نیز کاملا تحت تأثیر واقعی و روانی ذخایر در حال کاهش ارزی بوده است. تولیدات داخلی تحت تأثیر افزایش قیمت نهاده‌های تولید یا کمبود آنها از برنامه‌های خود در اغلب موارد عقب مانده‌اند. در حوزه عمرانی و زیرساخت‌ها نیز وضعیت امیدوار کننده نیست و دولت به دلیل آنکه زیر فشار هزینه‌های جاری که با اپیدمی کرونا تشدید شده است، ضرورت‌های این بخش را نادیده می‌گیرد. طبیعی است که در چنین شرایطی کلاف تورم بیش از پیش پیچیده و مخرب می‌شود.

در اثر همین تصویر از اقتصاد کشور است که مردم می‌پندارند این کلاف چنان در هم تنیده که به آسانی باز نخواهد شد و همین یاس و نگرانی مردم بر سیر صعودی تورم انتظاری می‌افزاید و عرصه تولید و سازندگی نیز تحت فشار قرار می‌گیرند.

هیچ زمانی و هیچ دولتی در ایران اینگونه در برابر موج فزاینده افزایش قیمت‌ها منفعل نبوده است. می‌توان پذیرفت این انفعال بیش از تابع نظام کارگزاری دولت باشد، تابع سیاست‌های کلان نظام مند حاکم بر آن است، از همین رو بیش از آنکه تعیین و هدفگذاری سیاست‌های توری راه چاره باشد، تغییر در شیوه حکمرانی می‌تواند منبع و ریشه تولید تورم در اقتصاد کشور را

اگر سیاست‌های موجود نسبت به مهار تورم کارآمدی ندارد، باید نسبت به این سیاست‌ها نگران بود که چرا سیاست‌های موجود برگرفته از چهل سال شیوه حکمرانی است و اگر آنها تورم زا هستند به معنای آن است که تورم نه تنها مهار نخواهد شد بلکه با طولانی تر شدن عمر این سیاست‌ها، تشدید خواهد شد

بخش‌کنند و در یک شرایط عادی و متاثر از رفتارهای اقتصادی، مهار آنرا به سیاست‌های مالی و پولی کشور محول کند.

نگرانی‌ها زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم اگر سال ۹۹ را با تورم بالا به پایان برسانیم به احتمال زیاد سال ۱۴۰۰ نیز تورم بالایی را در پیش خواهیم داشت. نقطه دردناک اینجاست که هر چه تورم بالاتر رود، پایین آوردن آن دشوارتر خواهد بود.

بانک مرکزی برای اینکه بتواند بازیگری موفق در عرصه پولی کشور باشد، علاوه بر اینکه باید سیاست‌گذاری مستقل و بلندمدتی نسبت به دولت داشته باشد، باید زمین مناسب برای تنظیم سیاست‌های پولی در اختیار داشته باشد که حتی تامین آن از عهده دولت‌ها نیز بر نمی‌آید. به نظر می‌رسد مسئولان بانک مرکزی برای تامین مسئولیت‌ها و وظایف قانونی خود در کنترل و مهار تورم، نسبت به چشمه‌های تورم زای اقتصاد کشور بی توجه نباشند و سازوکارهای اعلامی خود را در این باره را تقویت کنند.

اکنون با عبور نظام نوین سیاسی ایران از چهل سالگی، وجود تورم‌های پی در پی و حتی هشدار کارشناسان نسبت به ظهور احتمالی ابرتورم (و نزنولایی شدن اقتصاد ایران)، باید بیش از گذشته نگران بود. اگر سیاست‌های موجود نسبت به مهار تورم کارآمدی ندارد، باید نسبت به این سیاست‌ها نگران بود که چرا سیاست‌های موجود برگرفته از چهل سال شیوه حکمرانی است و اگر آنها تورم زا هستند به معنای آن است که تورم نه تنها مهار نخواهد شد بلکه با طولانی تر شدن عمر این سیاست‌ها، تشدید خواهد شد. برای جامعه‌ای که از آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و ... بسیاری رنج می‌برد، چیزی بدتر از آن نیست که بدانند آب از چشمه شاید اقتصاد کلان (حکمرانی اقتصادی) گل آلود است. بی شک چنین تصویری هر گونه تلاش‌های کوتاه مدت و مقطعی برنامه ریزان و سیاست‌گذاران را از طریق دمیدن در تورم انتظاری ناکام خواهد گذاشت.

تورم روز به روز بر تولیدکنندگان و کارگران فشار فزاینده‌ای می‌آورد و عملا اقتصاد را از تولید محور به توزیع محور هدایت می‌کند یعنی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها تعطیل و سیستم دلالی و ربا جان می‌گیرد حاکمیت می‌تواند با حمایت از تولید داخلی و مهار واردات کالاهای که تولید داخل دارند از فروپاشی تولید و اشتغال جلوگیری نماید.



دولت پایه‌گذار جریان تازه‌ای در مسیر صادرات باشد



خارجی» خاطرنشان کرد و گفت: خوشبختانه در بیانات مقام معظم رهبری هم شاهد بودیم که این دو مؤلفه مورد توجه قرار گرفتند و ایشان هم خواستار رفع موانع جهش تولید شدند؛ اما باید برای پیاده کردن این اهداف توجه داشته باشیم که درنهایت این مردم هستند که می‌توانند اهداف مذکور را عملیاتی کنند و دولت باید بسترساز حرکت مردم باشد.

انصاری خاطرنشان کرد: رشد بازار سرمایه در چند وقت اخیر، فرصت بسیار مناسبی را برای دولت فراهم کرده است تا با اخذ سیاست‌هایی، نقدینگی جذب این بازار و درنهایت تولید مولد شود.

به باور نایب‌رئیس اتاق ایران این امر محقق نخواهد شد مگر با تسهیل ورود شرکت‌های به‌اصطلاح استخوان‌دار به بازار سرمایه. او در همین زمینه گفت: در حال حاضر پذیرش شرکت‌ها در بورس با سختگیری انجام می‌شود که لازم است این مسیر هموار شود. انصاری خاطرنشان کرد که تسریع ورود بنگاه‌های قابل‌اعتماد به بازار سرمایه، باعث استحکام روند بازار می‌شود.



بنابراین اگر مانند سایر کشورهایی که ظرف ۵۰-۶۰ سال گذشته مسیر توسعه را طی کردند و به موفقیت رسیدند؛ دولت هم بر توانایی‌های داخلی تکیه کند، قطعاً پایه‌گذار جریان تازه‌ای خواهد شد که منجر به توسعه صادرات و بهبود تولید می‌شود.

انصاری بر ضرورت حمایت دولت و بانک مرکزی از صادرکنندگان تأکید کرد و خواستار اخذ و اجرای سیاست‌های تشویقی در همین راستا شد.

او در ادامه بر اهمیت «هدایت نقدینگی به سمت تولید» و «جذب سرمایه‌گذاری

نایب رئیس اتاق ایران به مناسبت هفته دولت، مهمترین خواسته‌های بخش خصوصی در یک سال باقی مانده از عمر دولت دوازدهم را بیان کرد. به باور انصاری، دولت باید پایه‌گذار توسعه پایدار در کشور باشد و در همین زمینه با توجه به کمبود درآمدهای ارزی، باید اهتمام ویژه‌ای به صادرات داشته باشد.

دولت دوازدهم، ماه‌های پایانی فعالیت خود را سپری می‌کند؛ آن‌هم در شرایطی که با محدودیت‌های ناشی از اعمال تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا، درآمدهای نفتی تقریباً به صفر رسیده و صادرات نیز محدود شده است. به باور فعالان اقتصادی در شرایط فعلی، بزرگ‌ترین تنگنای دولت برای اداره اقتصاد در بخش‌های گوناگون کمبود درآمدهای ارزی است که آثار ناخوشایندی بر فعالیت‌های اقتصادی و متغیرهای کلان بر جای گذاشته است.

نایب‌رئیس اتاق ایران در گفت‌وگو با «پایگاه خبری اتاق ایران» می‌گوید: دولت باید بپذیرد که سرمایه‌عظیمی به نام «مردم» وجود دارد که قابلیت تولید و صادرات دارند؛



جزئیات بسته قیمت گذاری دولت برای سیمان و میلگرد



موضوع گرانی‌های افسار گسیخته سیمان، فولاد و مصالح ساختمانی بحث شد و مجموعه اقداماتی که دولت برای ساماندهی این موارد انجام شد به نمایندگان ارائه شد و در این رابطه مجلس هم نقطه نظرات تکمیلی و اصلاحی داشت که مجموع آنها باید موجب تثبیت قیمت سیمان و فولاد در بازار شود. مدرس خیابانی تصریح کرد: ورقه‌های فولادی در خودروسازی کاربرد دارد و میلگرد هم در ساخت خانه‌ها و سایر مصالحی که برای انبوه سازان با آن سروکار دارند امیدواریم که بتوانیم بسته‌هایی که ابلاغ شده بتوانند موجب شود تا بازار از ثبات برخوردار شود. ۷ مرداد- خانه ملت

گرفته شد تا قیمت‌های این بازار متعادل شود و مجلس شورای اسلامی تلاش دارد تا به دولت در شرایط سخت اقتصادی کنونی کمک کند و جلسه‌ای که برگزار شد در این راستا بود. سرپرست وزارت صمت بیان کرد: در این جلسه که با حضور نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندگان و دستگاه‌های اجرایی برگزار شد، نتایجی که وزارت صمت در این رابطه رسیده بود و در جلسه دولت ارائه شد به سمع و نظر نمایندگان و آقای نیکزاد رسید. وی افزود: در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت که در هفته‌های گذشته نیز برگزار شد

سرپرست وزارت صمت گفت: در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت موضوع گرانی‌های افسار گسیخته سیمان، فولاد و مصالح ساختمانی بحث شد. به گزارش خانه ملت، حسین مدرس خیابانی در خصوص برگزاری جلسه مدیران وزارت صمت با علی نیکزاد نایب رئیس مجلس، گفت: در چند هفته اخیر متأسفانه در بحث قیمت مصالح ساختمانی مانند سیمان و فولاد اتفاقاتی افتاد که موجب شد تا همه مسئولان دولتی در این زمینه احساس نگرانی کنند چون مصالح ساختمانی جزو نیازهای اصلی عمرانی و آبادانی کشور و بخش عمده‌ای از صنایع مرتبط هستند. وی ادامه داد: در این جلسه تصمیماتی

تذکر نماینده بروجرد به وزارت راه:

آزادراه اراک- خرم آباد، بروجرد را به بن بست می کشاند

منابع عمومی، مطرود شدن دومین شهر بزرگ استان، فرار سرمایه و سرمایه‌گذار، مهاجرت نیروهای انسانی جویای کار و حتی شاغلان، افزایش بیکاری و فقر، کاهش جمعیت، نابودی کشاورزی، صنعت و اقتصاد، تعطیلی اکثر پروژه‌های عمرانی و فرهنگی، عدم توسعه شهری و ایجاد مشکلات اقتصادی- اجتماعی تنها گوشه‌ای از ضرر این آزادراه است که شهر بزرگ من را ندیده و از کنارش با بی‌رحمی عبور کرده است.

مقصودی تأکید کرد: این ناکارآمدی نشان می‌دهد که یک چنین شهری با این ظرفیت نباید بن‌بست و راه ارتباطی آن با بقیه شهرها قطع شود.

عضو هیأت رئیسه کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: راهکار اتصال راه‌آهن دورود- بروجرد- ملایر و احداث ۴ خط اصلی از آزادراه لرستان، مسیر بروجرد به ملایر و استان همدان و اتصال بروجرد به کریدور شرق به غرب است. ۲۷ مرداد

نماینده مردم بروجرد در مجلس در تذکری شفاهی، از به حاشیه رفتن بروجرد در پی احداث آزادراه اراک- خرم آباد و بروز مشکلات عدیده اقتصادی برای این شهر انتقاد کرد. فاطمه مقصودی در جلسه علنی یکشنبه ۲۶ مردادماه مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی گفت: مشاهده سیل بنیان‌کن فقر نه نیازی به تحقیق دارد و نه مشاجره اثبات، تنها کافی است بعضی از تصمیمات غیر کارشناسی و بی‌تجربگی برخی از مسئولان را در یک سری از پروژه‌ها ببینیم. وی گفت: بروجرد دومین شهر استان لرستان و سی و نهمین شهر پرجمعیت ایران در کنار دشت حاصل خیز سیلاخور و در دامنه کوه‌های زاگرس از گذشته‌های دور تا امروز واقعیت ویژه ارتباطی در مسیر شاهراه تهران جنوب با جمعیت حدود ۴۰۰ هزار نفر با معضل بزرگ آزادراه خرم آباد- اراک به مشکلات عدیده اقتصادی دچار شده است.

عضو هیأت رئیسه کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی بیان کرد: از دست رفتن زیرساخت‌ها و اعتبارات و





رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی:

طراحی سازه‌های بتنی به آیین‌نامه‌های داخلی متکی می‌شود

با توجه به این که بیش از ۵۰ درصد ساختمان‌ها در کشور بتنی هستند، این اتفاق برای مهندسی عمران کشور، رخداد مهمی محسوب می‌شود و از این پس، طراحی سازه‌های بتنی به آیین‌نامه‌های داخلی متکی می‌شود. تدوین مباحث مقررات ملی و کنترل ساختمان در ابتدای دولت تدبیر و امید، بار دیگر به مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی سپرده شده و این مرکز با به کارگیری متخصصان تراز اول کشور، مشاوران، اساتید و صاحب‌نظران، کار تدوین و ویرایش جدید مباحث از جمله متعاقب آن، سازمان برنامه نیز در قراردادی، بازنگری آبا را که آخرین ویرایش آن مربوط به ۱۸ سال قبل بود در سال ۹۳ به مرکز تحقیقات سپرد.

رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی از انتشار نسخه ویرایش شده مبحث نهم مقررات ملی ساختمان؛ طراحی و اجرای ساختمان‌های بتنی و انتشار آیین‌نامه بتن ایران خبر داد.

محمد شکرچی‌زاده افزود: با توجه به این که بیش از ۵۰ درصد ساختمان‌ها در کشور بتنی هستند، این اتفاق برای مهندسی عمران کشور، رخداد مهمی محسوب می‌شود و از این پس، طراحی سازه‌های بتنی به آیین‌نامه‌های داخلی متکی می‌شود.

وی همچنین از انتشار آیین‌نامه بتن ایران (آبا) از سوی سازمان برنامه و بودجه خبر داد و افزود: تدوین مباحث مقررات ملی و کنترل ساختمان در ابتدای دولت تدبیر و امید، بار دیگر به مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی سپرده شده و این مرکز با به کارگیری متخصصان تراز اول کشور، مشاوران، اساتید و صاحب‌نظران، کار تدوین و ویرایش جدید مباحث از جمله مبحث نهم را آغاز کرد و متعاقب آن، سازمان برنامه نیز در قراردادی، بازنگری آبا را که آخرین ویرایش آن مربوط به ۱۸ سال قبل بود در سال ۹۳ به مرکز تحقیقات سپرد.

شکرچی‌زاده توضیح داد: در گذشته این دو مدرک مهم مهندسی که هر دو مربوط به طراحی سازه‌های بتنی بودند، با هم تفاوت و یا تناقضاتی داشتند، در نتیجه اغلب مهندسان طراح سازه‌های بتنی کشور، برای رهایی از سردرگمی به آیین‌نامه‌های خارجی مراجعه می‌کردند.

وی تصریح کرد: ویرایش جدید این دو مجموعه که هر دو در مرکز تحقیقات انجام شده، با هم هماهنگ است و انتظار می‌رود روند طراحی سازه‌های بتنی در آینده با استفاده از این دو مرجع طراحی، متکی به آیین‌نامه‌های داخلی که هماهنگ با شرایط و مصالح موجود کشور و تجربیات

داخلی است، بهبود قابل ملاحظه‌ای پیدا کند.

رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی در ادامه از تلاش دست‌اندرکاران تدوین دو مجموعه طراحی و اجرای ساختمان‌های بتنی، مبحث نهم مقررات ملی ساختمان و آیین‌نامه بتن ایران قدردانی کرد.

براساس این گزارش، اولین نسخه آیین‌نامه بتن ایران در سال ۱۳۷۰ و بخش دوم آن در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. در سال ۱۳۷۷ کمیته تدوین آیین‌نامه گسترش یافت و تعداد اعضای آن به ۲۶ نفر بالغ شدند. این کمیته به دوزیر مجموعه «مصالح و مسایل اجرایی» و «اصول تحلیل و طراحی» تقسیم و کار بازنگری را آغاز کردند. بر این اساس اولین تجدید نظر آبا در سال ۱۳۷۹ تصویب و از سال ۱۳۸۰ لازم اجرا شد که به همراه تدوین آیین‌نامه، کار نگارش «واژه‌نامه بتن» و «تفسیر آیین‌نامه» نیز انجام شد و تفسیر بخش اول یک بار نیز در سال ۱۳۷۹ تجدید نظر شده است.

پس از اولین بازنگری آبا که بیش از ۱۸ سال از آن می‌گذرد، با توجه به پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر در زمینه «فناوری بتن» و «تحلیل و طراحی» حاصل شده است و نیاز به اعمال برخی اصلاحات، نظام فنی و اجرایی کشور، در تفاهم‌نامه ۲۵ تیرماه ۹۳ با تشکیل دبیرخانه دائمی آیین‌نامه بتن در مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، کار بازنگری آن را به این مرکز واگذار کرد تا در فرآیند نظرخواهی از صاحب‌نظران، متخصصان و دست‌اندرکاران این صنعت، به تشکیل کمیته‌های دائمی، فنی-اجرایی و هماهنگی اقدام کرده و براساس مدیریت کارگروه‌های تخصصی، نسبت به این مهم اقدام کند. مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، در تفاهم‌نامه‌ای از سوی سازمان برنامه، مسئولیت تهیه و تدوین ملحقات آبا را برعهده گرفته است.



«زمان» و «زمین»

زمینه

سرمایه گذاری را

تغییر داده اند

محسن جلال پور / فعال اقتصادی

به میزانی که اقتصاد به ثبات و پایداری نزدیک شود و محیط کسب و کار مساعد باشد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و تولید و ایجاد ارزش افزوده افزایش می‌یابد و به میزانی که اقتصاد در ورطه بی‌ثباتی و تله تورم مزمّن گرفتار شود، انگیزه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از بین می‌رود.

صنعتگر دلسوز و بزرگواری را می‌شناسم که از اواخر دهه ۴۰ تا امروز در کار تولید بوده و سال‌های طولانی است که در این راه کمر خم کرده و فرد موفق محسوب می‌شود. گاهی حال و احوالی از هم می‌پرسیم و از زمانی که می‌شناسمش همواره او را فردی ملی‌گرا و مومن و معتقد می‌دانم.

اخیرا شنیدم قصد دارد خط تولیدش را متوقف و زمین کارخانه‌اش را واگذار کند. پرس و جو کردم؛ بازنشستگی بهانه بود. گفته بود: «می‌خواهم خودم را خلاص کنم». گفته بود: «مدت‌هاست پول کارگران را از محل ساخت و ساز و فروش آپارتمان در تهران می‌پردازم و خیلی وقت است به این نتیجه رسیده‌ام که در کشور ما، تولید خطاست.» دوستی که برایم خبر آورد در وصفش گفت: ۵۰ سال عاشق کارش بوده و هر روز ساعت ۵ صبح از خانه بیرون می‌زده و ۱۰ شب به خانه برمی‌گشته و غیر ممکن است بتواند از کارخانه‌اش دل بکند.

خواستند من و برخی دوستان پا در میانی کنیم که کارخانه را تعطیل نکند. پرسیدم زمین کارخانه‌اش کجاست؟ گفتند: فلان جاست که این روزها ارزش زیادی پیدا کرده. یاد جمله آقای مهدی آگاه افتادم که گفته بود: «عمده شرکت‌های ما ورشکسته هستند فقط زمینی که در آن واقع شده‌اند قیمت زیادی پیدا کرده است.» گفتم: دنبال دلیل نگردید؛ «زمان» و «زمین» بهترین انگیزه برای تعطیل کردن خط تولید آن کارخانه ایجاد کرده‌اند. گفتند چطور؟ گفتم: متأسفانه در کشور ما عوامل و دلایل زیادی وجود دارد که انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد و در مقابل انگیزه برای خرید و فروش و نگهداری

فعالیت اقتصادی سالم بسیار مهم و اساسی می‌دانند. ساختار سیاسی خوب ساختاری است که توان تنظیم و تدوین سازوکارهای مناسب برای فعالیت سالم کارآفرینان را فراهم کند. درجه خوب بودن حکمرانی در کشورها در قانونگذاری صحیح و سالم‌سازی فضای کسب و کار است و کشوری را می‌توان موفق دانست که بتواند انگیزه‌های تولید را بالا ببرد.

به قول میلتن فریدمن «هنر سیاست‌گذار ایجاد فضایی است که در آن منفعت افراد نادرست در انجام کار درست باشد. در غیر این صورت حتی افراد درست هم کار خوب را انجام نخواهند داد.»

دهه چهل را دهه طلایی اقتصاد ایران می‌دانند و در تاریخ معاصر ایران کمتر دوره‌ای شبیه این دوره می‌شناسیم. در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ میانگین نرخ رشد اقتصادی ۲/۱۱ درصد و میانگین سالانه نرخ تورم ۲/۶ درصد بوده است. علاوه بر آن، مهم‌ترین صنایع ایران در همین دوره پایه‌گذاری شدند. دلیل موفقیت سیاست‌گذار این بود که با سیاست‌گذاری صحیح، ذی‌نفعان واردات را به ذی‌نفعان تولید تبدیل کرد. برخلاف دوره حاضر که دولت‌های ما ذی‌نفعان تولید را با سیاست‌های نادرست اقتصادی به ذی‌نفعان سفته بازی و قماربازی تبدیل کرده‌اند.

سیاست‌گذار را باید متوجه کرد به میزانی که اقتصاد به ثبات و پایداری نزدیک شود و محیط کسب و کار مساعد باشد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و تولید و ایجاد ارزش افزوده افزایش می‌یابد و به میزانی که اقتصاد در ورطه بی‌ثباتی و تله تورم مزمّن گرفتار شود، انگیزه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از بین می‌رود. در حال حاضر تورم باعث شده نرخ بازده حاصل از نگهداری دارایی‌ها بیش از بازده حاصل از ایجاد ارزش افزوده باشد. در چنین اقتصادی، انگیزه برای سرمایه‌گذاری در مستغلات و خرید و فروش ملک و مسکن منطقی‌تر از تولید و کارآفرینی با همه گرفتاری‌هایش است.



اقتصاددانان در ایران از ایستگاه سیاستگذاری حذف شده‌اند



مشکل عدم استفاده از اقتصاددانان در دولت‌ها است

در همین خصوص حمید دیهیم استاد اقتصاد دانشگاه تهران عنوان کرد: «اگر نگاهی به دیگر کشورها بیاندازید، می‌بینید که در میان وزرای آن‌ها حداقل چند اقتصاددان حضور دارد. علتش این است که به هیچ عنوان نمی‌توان با یک اقتصاددان سیاست‌های اقتصادی را پیش برد یا برنامه ریزی کرد. ضمن اینکه افرادی که اقتصاد خوانده‌اند، ایده‌های آرمانی دارند و فکر می‌کنند که همه آن‌ها قابل اجرا است. تنها یک اقتصاددان است که می‌داند چه برنامه‌هایی قابل اجرا است و چه برنامه‌هایی صرفاً رویا و خیالات است. اما همانطور که اشاره کردم تنها یک اقتصاددان برای یک دولت کافی نیست. زیرا به عنوان مثال زمانی که لازم است توضیحاتی درباره برنامه‌ها و سیاست‌ها بدهد، باید چندین ساعت صرف توضیح

اینجا برسم که ما واقعا دچار نفرین منابع هستیم. یعنی آنقدر به این منابع متکی هستیم که به هیچ عنوان کسی به سراغ خلاقیت و نبوغ نمی‌رود.

حمید دیهیم استاد اقتصاد دانشگاه تهران:

اگر نگاهی به دیگر کشورها بیاندازید،

می‌بینید که در میان وزرای آن‌ها

حداقل چند اقتصاددان حضور دارد.

علتش این است که به هیچ عنوان

نمی‌توان با یک اقتصاددان سیاست‌های

اقتصادی را پیش برد یا برنامه ریزی

کرد. ضمن اینکه افرادی که اقتصاد

خوانده‌اند، ایده‌های آرمانی دارند و فکر

می‌کنند که همه آن‌ها قابل اجرا است.

تنها یک اقتصاددان است که می‌داند

چه برنامه‌هایی قابل اجرا است و چه

برنامه‌هایی صرفاً رویا و خیالات است

آنچه که در ایران اتفاق افتاده این است که اقتصاددانان را از دولت‌ها کنار گذاشته‌اند. به عنوان مثال الان در همین دولت دوازدهم که نگاه کنید می‌بینید هیچ اقتصاددانی حضور ندارد. مجلس هم از همین مشکل رنج می‌برد. چندین دوره است که اقتصاددان برجسته و کاربلد در مجلس نداشتیم. چطور می‌توانیم از مجلسی که اقتصاددان ندارد انتظار داشته باشیم که قوانین اقتصادی تصویب کنند؟ در یک مصاحبه‌ای از توماس فریدمن می‌پرسند که دوست دارید بعد از آمریکا در کدام کشور زندگی کنید؟ پاسخ می‌دهد تایوان. دلیلش را که می‌پرسند، پاسخ می‌دهد: «زیرا تایوان هیچ منبع زیرزمینی ندارد و حتی اگر در شرایط خاصی قرار بگیرد، مجبور است خاکش هم از چین وارد کند، اما این کشور با تکیه بر نبوغ و خلاقیت مردمش پیش می‌رود. یعنی به جای اتکا به منابع از سرمایه‌های انسانی خود استفاده کنند.» با این مثال می‌خواهم به

دادن به افراد غیراقتصادی کند و با توجه به کمبود وقت معمولاً نادیده گرفته می‌شود. از سوی دیگر وقتی چندین اقتصاددان در تیم دولت حضور داشته باشند برنامه‌های پخته تری هم ارائه می‌کنند.

وی ادامه داد: «متأسفانه آنچه که در ایران اتفاق افتاده این است که اقتصاددانان را از دولت‌ها کنار گذاشته‌اند. به عنوان مثال الان در همین دولت دوازدهم که نگاه کنید می‌بینید هیچ اقتصاددانی حضور ندارد. منظورم از اقتصاددان فردی است که تحصیلات اقتصادی داشته باشد و الان با مدرک دکترای اقتصاد در دولت فعالیت کند. متأسفانه ما این خلاء را در اکثر دولت‌های ۴۰ سال گذشته شاهد بودیم و هنوز هم آن را رفع نکرده‌اند. البته نمی‌گویم هیچ وقت و در هیچ دولتی حضور نداشتند، اما یا تنها یک نفر بوده و یا اصلاً هیچ اقتصاددانی در هیأت دولت حضور نداشته است.»

او افزود: «البته این مختص دولت‌ها نیست. مجلس هم از همین مشکل رنج می‌برد. ما چندین دوره است که اقتصاددان برجسته و کاربلد در مجلس نداشتیم. خب با توجه به کارکرد مجلس که قانون گذاری است آیا لزوم حضور اقتصاددانان در این نهاد احساس نمی‌شود؟ چطور می‌توانیم از مجلسی که اقتصاددان ندارد انتظار داشته باشیم که قوانین اقتصادی تصویب کنند؟ اینگونه است که ما دچار مشکلات و معایب بسیاری در قانون گذاری هستیم و بعضاً قوانینی در حوزه اقتصاد تصویب می‌شود که نه تنها کارایی ندارد بلکه بعضاً موجب بروز مشکلات جدیدی می‌شوند.»

این تحلیلگر مسائل اقتصادی اظهار کرد: «از سوی دیگر من با قطعیت خدمت شما عرض می‌کنم که عمده مشکل ایران سیاست‌های کلان اقتصادی است که این هم به دلیل فقدان اقتصاددانان در نهاد‌های حاکمیتی و دولتی است. البته ما اقتصاددانانی در برخی بخش‌ها داریم، اما در بخش‌های تصمیم‌گیر ما دچار خلاء فقدان اقتصاددانان برجسته هستیم. این در حالی است که در کشور اقتصاددانان بسیاری حضور دارند و می‌توانند وضعیت کشور را متحول کنند؛ لذا تا زمانی که ما به این نتیجه نرسیم که باید در هر دولتی

چندین اقتصاددان حضور داشته باشد و سیاست‌های اقتصادی خود را اصلاح نکنیم، نمی‌توانیم مشکلات اقتصادی کشور را به صورت دائمی حل و فصل کنیم.»

دیهیم در پایان تأکید کرد: «در مجموع موجب شده است که ما امروز بعد چهل سال نه در یک یا دو حوزه بلکه در تمامی حوزه‌های اقتصادی دچار مشکل هستیم. موضوع این است که ما در کشوری زندگی می‌کنیم که ذخایر نفت و گاز بسیار بالایی دارد و از همین راه درآمد بسیاری کسب

وحید شقاقی شهری اقتصاددان:
از جمله کشورهایی هستیم که منابع عظیم در حوزه‌های مختلف داریم که حتی اگر نفت و گازمان را کنار هم قرار دهیم، ما در جایگاه نخست جهان قرار داریم. اما متأسفانه ما نتوانستیم از این منابع بهره برداری درستی انجام دهیم و این منابع مسیر توسعه کشور را منحرف کرده است.

می‌کنیم، اما نه تنها آن را اصولی خرج نمی‌کنیم بلکه آنقدر بی‌برنامه جلو می‌رویم که مشکلات مداوم در حال سرایت کردن به بخش‌های دیگر است. اگر دولت‌ها کمی ارتباط خود با اقتصاددانان بهبود ببخشند و از آن‌ها استفاده کنند، ما می‌توانیم مشکلات را حل کنیم، ولی متأسفانه هیچ کدام از دولت‌ها توجه خاصی به این مسئله ندارد.»

وابستگی به منابع طبیعی در راس هرم مشکلات

همچنین وحید شقاقی شهری اقتصاددان اظهار کرد: «در یک مصاحبه‌ای از توماس فریدمن می‌پرسند که دوست دارید بعد از آمریکا در کدام کشور زندگی کنید؟ پاسخ می‌دهد تایوان. دلیلش را که می‌پرسند، پاسخ می‌دهد: «زیرا تایوان هیچ منبع زیرزمینی ندارد و حتی اگر در شرایط خاصی قرار بگیرد، مجبور است خاکش هم از چین وارد کند، اما این کشور با تکیه بر نبوغ و خلاقیت مردمش پیش می‌رود. یعنی به جای اتکا به منابع از سرمایه‌های انسانی خود استفاده کنند.» با این مثال می‌خواهم به اینجا برسم که ما واقعا دچار نفرین منابع هستیم. یعنی آنقدر به این منابع متکی هستیم که به هیچ عنوان کسی به سراغ خلاقیت و نبوغ نمی‌رود.»

وی افزود: «ما از جمله کشورهایی هستیم که منابع عظیم در حوزه‌های مختلف داریم





که حتی اگر نفت و گازمان را کنار هم قرار دهیم، ما در جایگاه نخست جهان قرار داریم. اما متأسفانه ما نتوانستیم از این منابع بهره‌برداری درستی انجام دهیم و این منابع مسیر توسعه کشور را منحرف کرده است. یعنی به عنوان مثال ما به جای بهره‌برداری از سرمایه‌های انسانی خود، صرفاً بر این منابع و ذخایر تکیه کردیم. این نخستین انحراف اساسی در کشور است، زیرا دیگر به جای اینکه ما به سمت اقتصاد دانش‌بنیاد حرکت کنیم و سعی کنیم از منابع انسانی خود و نبوغ و خلاقیت دانشگاهیان استفاده کنیم، صرفاً دو دستی به نفت و گاز چسبیدیم و حاضر هم نیستیم کمی تغییر ایجاد کنیم.»

این تحلیلگر مسائل اقتصادی ادامه داد: «از همین‌جا همانطور که عرض کردم از مسیر توسعه خارج شدیم و دیگر نتوانستیم در دولت‌های مختلف این مسیر را به سمت منابع انسانی برگردانیم. متأسفانه دولت‌های ما عمدتاً با شعارهای پوپولیستی آمده‌اند و رای مردم را گرفته‌اند و اما در عمل به هیچ‌کدام از وعده‌های خود عمل نکرده‌اند و وابستگی به منابع طبیعی را کاهش ندادند. حتی سیاست‌های کلانی که توسط مقام معظم رهبری اعلام شد هم نتوانست مفید باشد و دولت‌ها را

مجبور به قطع اتکا به منابع طبیعی کند. دلیلش هم این است که بهره‌برداری منابع طبیعی ساده است و هیچ نیازی به نبوغ و خلاقیت و تلاش ندارد. به همین دلیل است که می‌گوییم این یک نفرین برای کشور شده است.»

او اظهار کرد: «واقعیت این است که رویکردهای دولت‌های طی ۴۰ سال گذشته موجب شده که سرمایه‌های انسانی ما سرخورده دست به مهاجرت بزنند و یک اقتصاد رانتی بر کشور حاکم شود که پیامد آن فساد گسترده و عدم شفافیت بوده است. همین مسئله باعث شده که هیچ وقت در کشور ما تولید فعالیت چندانی نداشته باشد و کمتر به آن توجه شود. از سوی دیگر این منابع طبیعی آنقدر نیازهای دولت‌ها را تامین کرده است که هیچ وقت به مسئله مالیات توجه نکردند. زیرا نیاز به یک منبع درآمد دیگر که در دسرها خاص خود را دارد، وجود ندارد.»

وی ادامه داد: «از سوی دیگر ما مدیران خلاق و کارآمد را هم طی این چند دهه از دست دادیم و هیچ نیروی دیگری تربیت نکردیم. زیرا نظام آموزشی ما در یک اقتصاد رانتی فعالیت دارد و هیچ وقت در خدمت یک نظام اقتصادی کارآمد نبوده است. به همین دلیل است که می‌بینیم چقدر طی

سال‌های اخیر مدرک‌گرایی رواج پیدا کرده و نخبه‌پروری و افزایش مهارت به حاشیه رانده شده است؛ لذا وقتی شاکیه مدیران ما مدیران پرورش یافته در چنین اقتصاد و نظام آموزشی هستند دیگر نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت که وابستگی به منابع طبیعی را کاهش دهند یا خلاقیت و نبوغی از خود نشان دهند و مشکلات کشور را حل و فصل کنند.»

شقایق شهری در پایان گفت: «شاید عجیب باشد، اما این اقتصاد رانتی حتی فرهنگ مردم ما را هم تغییر داده است. نمونه آن مسئله یارانه‌ها است. همه مردم به دنبال این هستند که دولت یارانه‌هایی را به بخش‌های مختلف اختصاص دهد و یارانه نقدی پرداخت کند تا آن‌ها آسوده‌تر زندگی کنند؛ بنابراین ما زمانی می‌توانیم به سراغ مسائل و مشکلات موجود در اقتصاد کشور بیاییم که ابتدا وابستگی و اتکا به منابع طبیعی را کاهش دهیم. ما باید این نفرین را از سر کشور باز کنیم. شما نمی‌توانید در یک اقتصاد رانتی نفس بکشید و به دنبال این باشید که مشکلات اقتصادی را حل کنید. زیرا این اقتصاد رانتی و اتکا به منابع طبیعی است که در راس هرم مشکلات کشور قرار دارند.»

منبع: پایگاه خبری فرارو

اصلاح کارمزد صندوق ضمانت صادرات



ارزش ضمانت نامه و نرخ کارمزد صدور ضمانت نامه به میزان نیم درصد ارزش ضمانت نامه‌های مورد نیاز می‌باشد. در مورد خسارت و تأمین ذخایر فنی که درآمدهای صندوق کفاف پرداخت آنها را ندهد، مطابق قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات ایران اقدام خواهد شد.

نرخ کارمزد برای سایر پیمانکاران نیازمند به اخذ انواع ضمانت نامه‌های شرکت در مناقصه، حسن انجام تعهدات، پیش‌پرداخت، استرداد کسور وجه الضمان، و گمرکی که مشمول بندهای فوق نمی‌شوند، در پروژه‌های برون مرزی و پروژه‌های صادرات محور داخل کشور (و مینا قراردادن گروه ریسک ۲ برای ایران) تعیین می‌شود. ۱۰ مرداد- خبرگزاری مهر

۱- ضمانت نامه شرکت در مناقصه با تأیید صلاحیت سازمان برنامه و بودجه کشور یا حسب مورد کارگروه موضوع ماده (۱۹) آئین نامه اجرایی حمایت از صدور خدمات فنی و مهندسی
۲- ضمانت نامه حسن انجام تعهدات، پیش پرداخت، استرداد کسور وجه الضمان و همچنین گواهی سقف ضمانت نامه‌ای و اعتباری مورد نیاز برای صادرکنندگان پس از تأیید کارگروه موضوع ماده (۱۹) آئین نامه اجرایی حمایت از صدور خدمات فنی و مهندسی برای صدور ضمانت نامه‌های «شرکت در مناقصه، پیش پرداخت، حسن انجام کار، کسور وجه الضمان»، در مقابل حداکثر ۲ درصد وجه نقد یا سایر وثایق مورد قبول صندوق و ۹۸ درصد سفته نسبت به

هیأت وزیران در جهت حمایت از صادرات خدمات فنی مهندسی و ایجاد سازوکارهای مناسب مالی در بازارهای هدف، با اصلاح نرخ‌های کارمزد (حق بیمه) خدمات صندوق ضمانت صادرات ایران موافقت کرد.

هیأت وزیران با توجه به شرایط تحریم‌ها و لزوم حمایت حداکثری از صادرات خدمات فنی مهندسی کشور و نیز تأکید دولت مبنی بر ایجاد سازوکارهای مناسب مالی در بازارهای هدف، با اصلاح نرخ‌های کارمزد (حق بیمه) خدمات صندوق ضمانت صادرات ایران موافقت کرد.

بر این اساس، ضمانت نامه‌های مورد نیاز صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی به صورت‌های زیر صادر شود:

برگزاری وینار «نگاهی به آینده مهندسی عمران در ایران»

کشور، نسبت به گذشته بسیار راحت‌تر شده است. همان‌طور که می‌دانیم هدف این رشته آموزش و تربیت نیروهای متخصص ای است که در سازندگی کشور نقش مؤثری را دارند.

وینار نگاهی به آینده مهندسی عمران در ایران و بررسی امکان‌های کارآفرینی، با سخنرانی دکتر علی کمک پناه (عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی عمران و محیط زیست دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیات مؤسس و هیات مدیره انجمن زلزله ایران) روز شنبه یکم شهریور ماه ساعت ۱۶، به صورت مجازی برگزار می‌شود.

سیل و آتش و نیروگاه‌های برق و مصالح سبک، ارزان و باکیفیت مناسب برای ساخت وساز، در حیطه کار مهندس عمران قرار می‌گیرد. برای آغاز تمامی پروژه‌های عمرانی به یک مهندس کارآمد عمران نیاز داریم تا علاوه بر رعایت جنبه‌های فنی و اجرایی، اقتصادی نیز عمل کند. چون اقتصادی بودن یک اصل در مهندسی عمران است.

بازار کار رشته عمران امروزه مانند رشته‌های مهندسی دیگر به رونق گذشته نیست، برخلاف این موضوع که تحصیل در رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌های

انجمن علمی دانشجویی مهندسی عمران و محیط زیست دانشگاه تربیت مدرس با همکاری انجمن مهندسی زلزله ایران و وینار «نگاهی به آینده مهندسی عمران در ایران و بررسی امکان‌های کارآفرینی» را برگزار می‌کند.

به گزارش اخبار ساختمان، مهندسی عمران از جمله مشاغل است که هدف آن کاربرد علم در ایجاد سازندگی و عمران است. یعنی هر چیزی که به آبادی یک کشور بازمی‌گردد مانند سد، فرودگاه، جاده، راه آهن، برج، تونل، دکل‌های مخابراتی، ساختمان‌های مقاوم در برابر زمین‌لرزه،



اصلاحات اقتصادی حکمرانی مناسب سیاست‌گذاری موثر

تفاوت‌های الگوی رشد
و توسعه دو کشور
«استونی» و «گرجستان»



به گزارش پایگاه خبری اقتصادی معاصر، بررسی مسیر رشد اقتصادی دو کشور «گرجستان» و «استونی» نشان می‌دهد اگر چه این دو کشور در مقطع استقلال از اتحاد شوروی شرایط رفاهی مشابهی داشتند، اما رشد اقتصادی قابل توجه استونی در ۱۵ سال بعد از استقلال و توقف نسبی همزمان گرجستان، باعث شد تا سطح رفاه مصرف‌کنندگان این دو کشور به میزان قابل توجهی واگرا شود. به طوری که در سال ۲۰۰۵ در حالی که درآمد متوسط هر شهروند استونی حدود ۱۷ هزار دلار بود، درآمد متوسط هر شهروند گرجستانی تنها حدود ۴ هزار دلار باشد. «مختصات مبدا یکسان» در کنار «مسیر عبوری متفاوت» این دو کشور گواه آن است که این واگرایی نه از طریق رشد Extensive بلکه از طریق «رشد Intensive قابل توضیح است. رشد Extensive رشدی است که به پشتوانه استفاده کمی از عوامل تولید حاصل شده در حالی که رشد Intensive

۴ برابر هر شهروند گرجستانی بود. افزایش درجه آزادی اقتصاد، اصلاحات چند جانبه اقتصادی و بهبود شیوه حکمرانی در اقتصاد طی این سال‌ها استونی را به یکی از مرفه‌ترین فرزندان شوروی تبدیل کرده بود. در حالی که گرجستان در ابتدای قرن بیست و یکم یکی از فاسدترین کشورهای جهان بود که به واسطه سلطه دولت، از بخش خصوصی قدرتمندی برای شتاب‌دهی به اقتصاد بیمار خود برخوردار نبود. این تفاوت آشکار در نهایت سیاست‌گذاران گرجستانی را به فکر تغییر شرایط انداخت. به این ترتیب در سال ۲۰۰۵ دوره‌ای از اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این کشور آغاز شد که در کمتر از یک دهه گرجستان را به دهک بالای کشورهای جهان از نظر آزادی اقتصادی و مبارزه با فساد رساند. در این گزارش با نگاه به تجربه این دو کشور منطقه پس از استقلال سیاسی، با تکیه بر آمارهای اقتصادی نتیجه تفاوت در رویکرد اقتصادی این دو کشور بررسی شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که «اصلاحات اقتصادی»، «حکمرانی مناسب» و «سیاست‌گذاری موثر» کشور استونی از ابتدای استقلال، عامل شتاب‌دهنده به رشد اقتصادی در این کشور بوده است. در طرف مقابل، «فساد گسترده»، «آزادی اقتصادی پایین و دموکراسی نامناسب»، «عدم شفافیت در کسب و کار» و «ضعف قوانین» عوامل بازدارنده کشتی اقتصادی گرجستان از حرکت بوده‌اند. اگر چه گرجستان در مقطع فعلی، به یکی از شفاف‌ترین کشورها تبدیل شده اما در ۱۵ سال مورد بررسی توقف نسبی را تجربه کرده بود.

«استونی» و «گرجستان» پس از استقلال از اتحاد جماهیر شوروی شرایط اقتصادی مشابهی داشتند. اما مسیر اقتصادی متفاوت، در یک و نیم دهه منتهی به سال ۲۰۰۵ این دو کشور را به دو نقطه متضاد رساند؛ به نحوی که میزان درآمد سرانه هر شهروند استونیایی در سال ۲۰۰۵ در حدود



استفاده بهینه‌تر از منابع تولید را به تصویر می‌کشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که «اصلاحات اقتصادی»، «حکمرانی مناسب» و «سیاست‌گذاری موثر» استونی از ابتدای استقلال، عامل شتاب‌دهنده به رشد اقتصادی در این کشور بوده است. در طرف مقابل، «فساد گسترده»، «آزادی اقتصادی پایین و دموکراسی نامناسب»، «عدم شفافیت در کسب‌وکار» و «ضعف قوانین» عوامل بازدارنده کشتی اقتصادی گرجستان از حرکت بوده‌اند. عواملی که باعث شد تا گرجستان از حیث «ثبات اقتصادی»، «تشکیل سرمایه‌های فیزیکی و انسانی» و نهایتاً «رشد اقتصادی» توقف نسبی اما استونی رشد قابل‌ملاحظه را تجربه کند. در این گزارش ضمن بررسی شرایط ابتدایی، مسیر رشد اقتصادی این دو کشور را بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ در قالب آمار و شواهد به تصویر کشیده شده است. اگرچه گرجستان در مقطع فعلی، به یکی از شفاف‌ترین کشورها تبدیل شده اما در ۱۵ سال مورد بررسی توقف نسبی را تجربه کرده بود.

پازل واگرایی

یکی از پازل‌های اقتصاد توسعه در صحنه اقتصاد بین‌الملل، واگرایی یا Divergence سطح رفاه کشورهاست. به عبارت دیگر، در مقطعی عمده کشورها سطح توسعه و درآمد سرانه یکسانی داشتند، اما بعد از گذشت زمان برخی کشورها رشد مثبت و برخی دیگر رشد منفی تجربه کرده که این باعث واگرایی و گسست بین سطح درآمد و رفاه مصرف‌کنندگان در کشورهای مختلف شده است. به همین دلیل اقتصاددانان توسعه همواره دنبال پاسخ مناسبی برای دلیل این واگرایی بوده‌اند. در همین راستا، واگرایی در کشورهایی که در ابتدای مسیر، ساختار مشابهی داشته‌اند، به میزان روشن‌تری قابل مطالعه و بررسی است. به همین دلیل، کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی که از همه لحاظ شرایط مشابهی داشته و اتفاقاً درجه گسست و واگرایی بیشتری نیز داشتند، همواره مورد علاقه اقتصاددانان بوده است. اتحاد شوروی

سابق شامل ۱۵ کشور لتونی، استونی، لیتوانی، روسیه، بلاروس، قزاقستان، اوکراین، آذربایجان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، مولداوی، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان بود که در سال ۱۹۹۱ فروپاشید. بعد از استقلال، ۳ کشور لتونی، استونی، لیتوانی به اتحادیه اروپا پیوستند و بقیه در درجه‌های مختلف پشت درهای توسعه ماندند. اگرچه در سال ۱۹۹۱ درآمد سرانه این کشورها همگرا بود و تفاوت آن چنانی نداشت، اما با گذشت زمان واگرایی بین این کشورها به مراتب افزایش یافت. در همین راستا، این مطالعه واگرایی بین اقتصاد در دو کشور «استونی» و «گرجستان» را در ۱۵ سال بعد از فروپاشی شوروی و استقلال سیاسی ریشه‌یابی کرده است.

در حالی که استونی در این مدت مسیر رشد را با سرعت قابل توجه پشت سر گذاشت، گرجستان یک توقف نسبی را در این سال‌ها تجربه کرده بود. به بیانی دیگر، این گزارش در تلاش است تا به این سوال پاسخ دهد که چه عواملی تفاوت بین رشد و توقف این دو کشور را در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ توجیه می‌کند. البته بعد از سال ۲۰۰۵ تاکنون گرجستان اصلاحات گسترده‌ای را

شروع کرده و به یکی از شفاف‌ترین کشورها در خصوص کسب‌وکارهای اقتصادی بوده است. در حالی که رتبه این کشور در خصوص شاخص «بیزیسی» در دهه ۹۰ حدود ۱۴۰ بوده، در سال گذشته به ۱۳ کاهش یافته است. با این حال مطالعه فعلی توقف نسبی اقتصاد گرجستان در ۱۵ سال بعد از فروپاشی شوروی را در قیاس با رشد سریع استونی به تصویر می‌کشد.

رشد مرده در مقابل رشد زنده

اقتصاددانان معمولاً در یک دسته‌بندی مرسوم، رشد اقتصادی را به دو دسته رشد بسطی یا Extensive و رشد تشدیدي یا Intensive تقسیم می‌کنند. در حالتی ممکن است منبع رشد اقتصادی در یک کشور افزایش عوامل تولید از جمله نیروی کار، منابع طبیعی و سرمایه باشد و در حالت دیگر ممکن است رشد اقتصادی مذکور از جانب استفاده بهینه‌تر از عوامل تولید مذکور حاصل شده باشد. رشد صورت گرفته در حالت اول که عمدتاً از سمت استفاده بیشتر از انباشت سرمایه و عوامل تولید بوده به رشد بسطی و رشد در حالت دوم که عمدتاً از جانب افزایش کارایی منابع موجود بوده به رشد تشدیدي معروف است. بنابراین اینکه رشد اقتصادی از جانب کدام عامل اتفاق افتاده باشد، در بلندمدت روی رفاه مصرف‌کننده تفاوت حائز اهمیتی دارد. رشد در حالت اول محدود به کمیت عوامل تولید بوده و از جمله کشورهایی که رشد بسطی را تجربه کرده‌اند می‌توان به کشورهای با منابع طبیعی فراوان اشاره کرد. رشد در حالت دوم عمدتاً به سیاست‌گذاری، حکمرانی، ساختار و زیرساخت‌های اقتصاد بستگی دارد؛ رشد کشورهای آسیای جنوب شرقی از این نوع رشد است. بنابراین در مقایسه واگرایی رشد بین کشورها تفاوت بین این دو رشد حائز اهمیت است؛ به ویژه زمانی که این واگرایی در بازه‌های زمانی نه‌چندان بلندمدت صورت می‌گیرد. به همین دلیل در این گزارش سعی شده تا این واگرایی با بررسی این دو دسته رشد مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از پازل‌های اقتصاد توسعه در صحنه اقتصاد بین‌الملل، واگرایی یا Divergence سطح رفاه کشورهاست. به عبارت دیگر، در مقطعی عمده کشورها سطح توسعه و درآمد سرانه یکسانی داشتند، اما بعد از گذشت زمان برخی کشورها رشد مثبت و برخی دیگر رشد منفی تجربه کرده که این باعث واگرایی و گسست بین سطح درآمد و رفاه مصرف‌کنندگان در کشورهای مختلف شده است



حکمرانی علت، رشد معلول

رشد تشدیددی را به حد قابل توجهی «حکمرانی خوب» و «سیاست‌گذاری موثر» توضیح می‌دهد. به تعبیری دیگر، اگر شرایط اولیه برای دو کشور یکسان باشد، رشد اقتصادی در کشوری سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد که حکمرانی و فضای سیاست‌گذاری موثرتری داشته باشد؛ به طوری که هر چه جنس حکمرانی و سیاست‌گذاری بهتر و موثرتر بوده، شرایط برای استفاده از عوامل تولید فراهم‌تر بوده و زمینه برای «ثبات اقتصادی» و شکل‌گیری «سرمایه انسانی»، «سرمایه فیزیکی»، «سرمایه اجتماعی» و «سرمایه خارجی» آماده‌تر است. رشد اقتصادی سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد. بنابراین می‌توان گفت جنس «حکمرانی و سیاست‌گذاری» ورودی یا علت و تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی خروجی یا معلول خواهند بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ابتدای استقلال، استونی فضای حکمرانی و سیاست‌گذاری مناسبی را شروع کرد که همین باعث شد تا رشد اقتصادی بیشتری را نیز تجربه کند. در طرف مقابل، عدم شکل‌گیری یک فضای حکمرانی مناسب در گرجستان باعث شد تا این کشور ۱۵ سال بعد از استقلال در تله درآمد پایین گیر کند.

بعد از استقلال، استونی به سرعت اصلاحات سیاسی، نهادی و اصلاحات اقتصادی را شروع کرد که منجر به شکل‌گیری یک دولت با استقلال کامل حاکمیتی شد و هیچ نهاد یا عامل دیگری تداخل سیاستی در خصوص حوزه اقتصادی نداشت. به علاوه پیوستن به اتحادیه اروپا به این استقلال و اصلاحات اقتصادی کمک قابل توجهی کرد. نتیجه این بود که در کمتر از ۱۵ سال استونی اقتصاد خود را به کشورهای اتحادیه اروپا نزدیک و مسیر افزایشی درآمد سرانه را طی کرد. در طرف مقابل، گرجستان بعد از استقلال، درگیر جنگ و نزاع داخلی شد، در دام درآمد پایین گیر کرد و فساد گسترده اقتصاد این کشور را از حرکت بازداشت و به طوری که فقدان اصلاحات نهادی و اقتصادی در این کشور به شدت به چشم می‌خورد. بعد از انقلاب رزدر سال ۲۰۰۳ در



که در سال‌های بعد از استقلال، درآمد سرانه هر مصرف‌کننده استونیایی حدود ۶ هزار دلار و سطح درآمد سرانه هر مصرف‌کننده گرجستانی به طور متوسط حدود ۳ هزار دلار بوده است. بنابراین سطح محصول سرانه در گرجستان پایین‌تر بوده است. به همین دلیل بر مبنای اصل ظرفیت خالی، انتظار می‌رفت گرجستان پله‌های رشد اقتصادی را با سرعت بیشتری طی کند. نتیجه نهایی اینکه اقتصاد دو کشور مورد بررسی به طور تقریبی از حیث رشد بسطی، در مبدأ یکسانی قرار داشتند و اگر هم تفاوتی بوده، به نفع گرجستان بوده است. به بیانی دیگر، رشد بسطی تفاوت در مسیر رشد این دو کشور را توضیح نداده و این تفاوت از طریق رشد تشدیددی توجیه خواهد شد.

سیستم بانکی استونی در زمانی کوتاه به خصوصی‌سازی رسید و رقابت در این بخش از اقتصاد شکل گرفت. به همین دلیل نرخ بهره در این کشور به کمتر از ۳ درصد کاهش یافت و در بلندمدت پایدار ماند. این عامل باعث شد تا تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به ورود به بازارهای استونی افزایش یابد. در طرف مقابل، کاهش رقابت و عدم خصوصی‌سازی در گرجستان باعث شد نرخ بهره در این کشور به ۲۰ درصد نیز برسد. یکی دیگر از ملاک‌های توسعه‌یافتگی ساختار بخش حقیقی و تولید اقتصاد است.

دو کشور در یک مبدأ

از جمله متغیرهایی که می‌تواند تولید بسطی را تحریک کند می‌توان به «موقعیت ژئوپلیتیک»، «وسعت»، «سطح منابع طبیعی»، «جمعیت»، «استقلال سیاسی» و «سطح اولیه تولید» اشاره کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در خصوص هر ۵ معیار مذکور، دو کشور در مقطع استقلال از اتحاد شوروی وضعیت یکسانی داشته‌اند. در خصوص جمعیت، هر دو کشور جزو کشورهای کم جمعیت بوده‌اند. به طوری که استونی جمعیتی معادل ۱/۳ میلیون نفر و گرجستان جمعیتی حدود ۴/۷ میلیون نفر داشته است. وضعیت مشابهی در خصوص متغیرهای وسعت و موقعیت جغرافیایی حاکم است؛ به طوری که مساحت استونی حدود ۴۵ هزار کیلومتر مربع و مساحت گرجستان حدود ۷۰ هزار کیلومتر مربع است. بررسی سطح منابع طبیعی در دو کشور حاکی از آن است که گرجستان از حیث منابع طبیعی از جمله وجود معادن و موقعیت جغرافیایی به منظور مقیاس گردشگرپذیری وضعیت بهتری داشته؛ به همین دلیل از این حیث زمینه برای رشد اقتصادی گرجستان مهیاتر بوده است. در خصوص استقلال سیاسی نیز دو کشور شرایط یکسانی را تجربه کرده‌اند. استونی در سال ۱۹۴۰ و گرجستان در سال ۱۹۲۱ در سیطره اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته و هر دو بعد از تجربه اقتصادی نه چندان مناسب، در سال ۱۹۹۱ به استقلال رسیدند. سطح محصول اولیه آخرین متغیری است که تفاوت رشد بسطی بین دو کشور را توضیح می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد





این کشور بود که امید به توسعه و اصلاحات اقتصادی در دل مردم این کشور زنده شد.

اثر دوره سقوط سنگین

در سال‌های پایانی قبل از فروپاشی شوروی، شدت سقوط اقتصادی از کشوری به کشور دیگر (اعضای شوروی) در سال ۱۹۸۹ منتقل شد. آسیب‌پذیری اقتصاد گرجستان نسبت به استونی از سقوط شوروی بیشتر و گستره زمانی سقوط نیز بیشتر بود. طول دوره سقوط استونی از ۱۹۸۹ شروع و تا ۱۹۹۳ به طول انجامید که در این مدت درآمد ناخالص داخلی سرانه این کشور حدود ۳۳ درصد کاهش یافت. دوره آسیب‌پذیری گرجستان بیشتر و در بازه زمانی ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ به طول انجامید. به طوری که در این بازه زمانی درآمد سرانه این کشور حدود ۸۰ درصد کاهش یافت. با این حال، از سال ۱۹۹۳ به بعد این دو کشور نرخ رشدهای متفاوتی از درآمد سرانه را تجربه کردند. به طوری که درآمد سرانه استونی در ۲۰۰۵ به ۱۷ هزار دلار رسید و درآمد سرانه گرجستان در این سال تنها به حدود ۴ هزار دلار افزایش یافت. نرخ رشد درآمد سرانه این دو کشور در این دوره به ترتیب ۶/۶ و ۱/۶ درصد بوده است. این دوره به سقوط سنگین یا Plunge مشهور است. با توجه به اینکه در ابتدای مسیر سطح تولید گرجستان پایین‌تر از استونی بوده، گمانه‌زنی می‌شد که اقتصاد این کشور به واسطه ظرفیت اقتصادی خالی بیشتر، رشد بیشتری داشته باشد به همین دلیل رشد قابل توجه استونی به عنوان یک سورپرایز شناخته می‌شود؛ بنابراین این حقیقت گویای آن است که محصول اولیه تنها بخش اندکی از تفاوت رشد اقتصادی این دو کشور را توضیح می‌دهد؛ در حالی که تفاوت درآمد سرانه در سال ۱۹۸۰ حدود ۱/۵ برابر به نفع استونی بود این نسبت در سال ۱۹۹۳ به حدود ۵ برابر نزدیک شد. پازل اصلی این است که چرا گرجستان رشد قابل توجهی را بعد از این سال تجربه نکرد؟ می‌توان گفت اثر بازگشت یا rebound effect که به احیای اقتصاد بعد از یک سقوط سنگین گفته می‌شود، در حالی که برای استونی به درستی و خوبی اتفاق افتاد برای گرجستان حاصل

نشد، دلیل این تفاوت در سرعت برگشت را در متغیرهای مهم اقتصادی در این برهه ۱۵ ساله می‌توان جست.

تشکیل سرمایه انسانی و فیزیکی

سرمایه‌گذاری داخل یکی از متغیرهای مهم توضیح‌دهنده رشد اقتصادی در بلندمدت است؛ چراکه انباشت این سرمایه‌هاست که تولید در دوره‌های بعدی را تعیین می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۵ استونی حدود ۳۰ درصد اما گرجستان حدود ۲۰ درصد از کل تولید ناخالص داخلی سالانه خود را صرف سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات کرده است. در خصوص سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات افتاده است. در گرجستان نرخ ثبت نام در دبیرستان حدود ۹۵ درصد اما در استونی ۱۰۰ درصد بوده است. در استونی تقریباً همه افراد در سن مناسب به دبیرستان می‌روند اما این نسبت برای گرجستان حدود ۸۰ درصد بوده است؛ در حالی که در سال ۲۰۰۴ حدود ۶۷ درصد از جوانان استونیایی به دانشگاه می‌رفتند، این نسبت برای گرجستان حدود ۴۲ درصد بوده است. در مقایسه‌ای دیگر، در این بازه زمانی در حالی که مخارج عمومی و خصوصی روی آموزش در استونی حدود ۶ درصد تولید این کشور بوده این نسبت برای گرجستان تنها حدود ۲ درصد بوده است. سایر شاخص‌های سرمایه‌گذاری نیز روند مشابهی داشته‌اند. در استونی حدود ۴۸۳ کامپیوتر برای هر ۱۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۵ وجود داشته در حالی که این تعداد

برای گرجستان حدود ۴۲ دستگاه بوده است. تعداد استفاده‌کنندگان از اینترنت در این سال به ازای هر ۱۰۰۰ نفر برای استونی حدود ۵۱۳ نفر و در گرجستان حدود ۴۰ نفر بوده است. این وضعیت شرایط تجارت و کسب‌وکارها را برای استونیایی‌ها فراهم کرده بود. سرمایه‌گذاری خارجی تقریباً در اوایل ۱۹۹۰ در دو کشور وجود نداشته است، اما درجه آزادی اقتصاد بیشتر در استونی باعث شده تا به طور متوسط در این ۱۵ سال ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور سرمایه‌گذاری خارجی شود. این در حالی است که این نسبت برای گرجستان تنها حدود ۴ درصد بوده است. در پایان این دوره اگرچه شهروندان استونیایی کیفیت زندگی بهتری نسبت به قبل از استقلال داشتند اما وضعیت گرجستان بدتر شده بود؛ بنابراین حکمرانی خوب در استونی باعث شده تا انباشت سرمایه انسانی و فیزیکی در این کشور اثر فراینده قابل توجهی در رشد اقتصادی داشته باشد، این در حالی است که عدم اهتمام گرجستان به این متغیرها توقف نسبی اقتصاد این کشور را توضیح می‌دهد.

صادرات، تورم و ساختار اقتصاد

از دیگر عواملی که رشد شدید اقتصادی را می‌تواند توضیح دهد ثبات اقتصادی، تورم و درجه باز بودن اقتصاد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد استونی ساختار تجاری بازاری در قیاس با گرجستان داشته است. حجم صادرات کالاها و خدمات استونی در این دوره حدود ۷۳ درصد اما برای گرجستان تنها حدود ۳۳ درصد بوده



است. گرجستان موانع وارداتی زیادی را اعمال کرده اما استونی سیاست آزادی تجاری را در پیش گرفته است. به طوری که درآمد تعرفه‌ای در گرجستان حدود ۱۰ درصد اما در استونی کمتر از یک درصد کل درآمد مالیاتی بوده است. یکی دیگر از متغیرهایی که آزادی تجارت را توضیح می‌دهد روند اداری شکل‌گیری تجارت است. در حالی که روند ترخیص کالا از گمرک گرجستان حدود ۳/۴ روز بود در استونی تنها حدود ۱/۷ روز اعلام شد. یکی دیگر از عوامل موثر بر رشد اقتصادی، ثبات اقتصاد و ریسک اقتصاد کلان است. در اوایل دهه ۹۰ به دلیل سیاست‌های پولی انبساطی تورم در گرجستان به میزان قابل توجهی بالاتر از استونی بود. به همین دلیل ریسک اقتصاد کلان در این کشور بالا بوده و سرمایه‌گذاران بالقوه تمایلی به راه‌اندازی کسب‌وکار نداشتند. نرخ بهره که هزینه تامین مالی سرمایه برای تولیدکنندگان محسوب می‌شود، عامل دیگری است که تفاوت رشد اقتصادی در این دو کشور را توضیح می‌دهد.

سیستم بانکی استونی در زمانی کوتاه به خصوصی‌سازی رسید و رقابت در این بخش از اقتصاد شکل گرفت. به همین دلیل نرخ بهره در این کشور به کمتر از ۳ درصد کاهش یافت و در بلندمدت پایدار ماند. این عامل باعث شد تا تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به ورود به بازارهای استونی افزایش یابد. در طرف مقابل، کاهش رقابت و عدم خصوصی‌سازی در گرجستان باعث شد نرخ بهره در این کشور به ۲۰ درصد نیز برسد. یکی دیگر از ملاک‌های توسعه‌یافتگی ساختار بخش حقیقی و تولید اقتصاد است. به طوری که تولید مبتنی بر صنعت یا کشاورزی سطح رفاه متفاوتی را برای کشورها به ارمغان می‌آورد. در حالی که قبل از استقلال از شوروی، سهم بخش کشاورزی از ارزش افزوده در هر دو کشور مورد بررسی برابر بوده اما این نسبت برای استونی به صورت پیوسته رو به کاهش اما برای گرجستان رو به افزایش گذاشت. به طور متوسط در بازه مورد بررسی این نسبت برای گرجستان ۲۰ درصد و برای استونی ۵ درصد بوده است.

به این معنی که تلاش برای مدرن کردن تولیدات و همین‌طور آزادی انتقال نیروی کار و عوامل تولید در استونی بیشتر بوده است. علاوه بر این صنعت و خدمات رشد بیشتری در اقتصاد استونی داشته‌اند. در دهه منتهی به ۲۰۰۵ بیش از ۷۵ درصد از صادرات استونی صنعتی بوده در حالی که این نسبت برای گرجستان کمتر از ۳۵ درصد بوده است. این تفاوت از این حیث مهم است که رشد تولیدات صنعتی مبتنی بر تحقیق، رشد تکنولوژی و سرمایه‌انسانی بالاست. بنابراین زیرساخت‌های اقتصاد در این کشور به میزان بهتری شکل گرفت. زمان مورد نیاز برای شروع یک بیزینس در حالی که در استونی حدود ۷ روز بود در گرجستان ۱۱ روز بود. بنابراین شواهد نشان می‌دهد که علاوه بر سرمایه‌انسانی و فیزیکی، استونی در خصوص درجه آزادی اقتصادی، شفافیت کسب‌وکار، رقابت و ثبات اقتصادی عملکرد بهتری داشته است. از آنجا که جنس حکمرانی و سیاست‌گذاری در یک اقتصاد روند حرکت متغیرهای مذکور را متأثر می‌سازد بررسی تفاوت حکمرانی و سیاست‌گذاری در این دو کشور حائز اهمیت است.

دموکراسی و حکمرانی

یکی از نموده‌های حکمرانی را می‌توان در درجه دموکراسی در کشورها یافت. براساس یک معیار جهانی کشورهای جهان براساس یک درجه دموکراسی بین صفر تا ۱۰ رتبه‌بندی می‌شوند. نمره دموکراسی در استونی در ابتدای استقلال از روسیه ۶ بوده است. با این حال، رتبه دموکراسی گرجستان حدود ۴ بود اما نمره دموکراسی در این کشور رو به افزایش گذاشت و در سال ۲۰۰۵ به ۶ رسید. کانالی که اثر دموکراسی روی رشد اقتصادی را می‌سنجد حکمرانی خوب است. دموکراسی منجر به بهبود سرمایه اجتماعی می‌شود به طوری که زیرساخت‌های موجود باعث می‌شود تا جامعه متحد و به شکل هماهنگ و هارمونیک عمل کند. بهبود عملکرد سیاسی، مبارزه با فساد و کاهش نابرابری، انسجام جامعه را افزایش می‌دهد.

همچنین کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی راتحت تاثیر قرار می‌دهد. از سال ۱۹۹۹ حاکمیت و دولت در استونی به شدت با فساد مبارزه کرده اما بی‌توجهی به این مقوله در گرجستان باعث شد تا این کشور یکی از فاسدترین کشورهای منطقه و جهان شناخته شود. نابرابری درآمد در استونی به میزان قابل توجهی کمتر از گرجستان بوده است. در حالی که ضریب جینی در ابتدای استقلال برای هر دو کشور برابر و معادل ۳۸ صدم بود اما در پایان دوره مورد بررسی نابرابری در گرجستان افزایش یافت و ضریب جینی به ۴۰ صدم رسید، این در حالی است که ضریب جینی در استونی کاهش یافت و به ۳۶ صدم رسید. بنابراین بررسی‌ها نشان می‌دهد تفاوت رشد اقتصادی این دو کشور را می‌توان در یک سه ضلعی توضیح داد. در ابتدا توجه به دموکراسی در استونی زمینه را برای حکمرانی و سیاست‌گذاری بهینه فراهم کرده است. در گام بعدی سیاست‌گذاری خوب تشکیل سرمایه‌های مختلف و زیرساخت‌های بهینه برای اقتصاد این کشور را فراهم کرده است و در نهایت این زیرساخت‌ها شرایط را برای رشد پایدار در استونی فراهم کرده است. این در حالی است که ضعف اقتصاد گرجستان در این سه ضلع منجر به توقف نسبی اقتصاد این کشور شده است.

بنابراین اگر چه رشد اقتصادی قابل توجه استونی در ۱۵ سال بعد از فروپاشی شوروی و منتهی به ۲۰۰۵ در قیاس با توقف نسبی گرجستان را می‌توان به عواملی مانند آزادی اقتصادی و حکمرانی موثر نسبت داد، اما گرجستان از سال ۲۰۰۵ به بعد اصلاحات گسترده را شروع کرده و امروزه در خصوص شفافیت اقتصادی یکی از بهترین کشورهای دنیا به حساب می‌آید. به همین دلیل تغییر مسیر این کشور از سال ۲۰۰۵ به بعد امروزه به عنوان یک نمونه موفق در اقتصاد جهانی شناخته می‌شود. بنابراین عواملی که باعث شده گرجستان پس از ۱۵ سال توقف نسبی روی ریل رشد قابل توجه قرار گیرد حائز اهمیت است.

منبع: دنیای اقتصاد-۲۲ مرداد



وزیر راه و شهرسازی گفت: آسیب شناسی ساختمان‌ها بعد از زلزله‌ها نشان داده که دیوارهای جداکننده داخلی، بیشترین آسیب را در هنگام حوادث تجربه می‌کنند. به گزارش خبرگزاری مهر، محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی در حاشیه نشست اعضای کمیسیون عمران مجلس با وزیر راه و شهرسازی، اظهار داشت: ۸ نماینده سوالات متنوعی را در این نشست مطرح کردند و براساس سوالات مطرح شده، از صبح امروز تا کنون در این جلسه حاضر بوده و به سوالات نمایندگان پاسخ دادم. وی درباره سوالات مطرح شده از سوی نمایندگان، گفت: بیشترین سوالات نمایندگان مجلس درباره نوسازی بافت فرسوده، بازار مسکن، توسعه زیرساخت‌های ریلی، احداث خانه‌های روستایی، پروژه‌های نیمه تمام عمرانی و تدوین ضوابط و مقررات ملی احداث بنا بود؛ این در حالی است که در بحث تنظیم ضوابط، وزارت راه و شهرسازی مقید به این است که مقررات ملی ساختمان را مرتباً به روزرسانی نماید که به عنوان مثال، آیین نامه ۲۸۰۰ که درباره روش‌های احداث بنای مقاوم در برابر زلزله است، مرتباً به روز رسانی می‌شود و اخیراً جدیدترین نسخه آن نیز، منتشر شده است. وی تأکید کرد: در آسیب شناسی که پس از زلزله‌های اخیر صورت گرفت، به این نتیجه رسیدیم که دیوارهای جداکننده



وزیر راه و شهرسازی:

دیوارهای جداکننده داخلی بیشترین آسیب را در زلزله وارد می‌کنند

داخلی در ساختمان‌ها بیشترین آسیب را تجربه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی اگر خود بنا مقاوم بوده، اما بیشترین آسیب را دیوارهای جداکننده و سازه‌های مشابه وارد کرده‌اند. اسلامی تصریح کرد: تکنولوژی

جدیدی طراحی شده تا نوعی از دیوارهای جداکننده داخلی ساخته شود که هم عایق صدا باشد و هم آسیب جانی در هنگام زلزله نداشته باشد.

لازم به ذکر است آیین‌نامه ایمنی ساختمانها در برابر زلزله یا استاندارد ۲۸۰۰ مجموعه قوانین سازه ای برای طراحی لرزه ای سازه در برابر زلزله است. این مقررات در دهه چهل، که بعدها در فصلی از استاندارد ۵۱۹ ایران قرار گرفت، گامی در مسیر مقاوم سازی سازه‌ها در برابر زلزله‌های مخرب در ایران بود. تصویب و اجرای اجباری آیین‌نامه طراحی ساختمانها در برابر زلزله (استاندارد ۲۸۰۰) در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ نیز عزم ملی و برنامه دولت ایران را با وجهه علمی، رسمیت قانونی بخشید. تدوین این آیین‌نامه موجب رونق ضوابط مهندسی در روند ساخت و ساز کشور شد و در عین حال، تلاش برای اجرای فراگیر آن و جلوگیری از تخلفات، در کاهش خسارات ناشی از زلزله، بسیار مؤثر بود. هیات دولت، تجدید نظر در «آیین‌نامه طراحی ساختمانها در برابر زلزله» را بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی (مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن) گذاشته‌است که این مهم هر ۵ سال یکبار انجام پذیرد. از مهمترین بحث‌های سازه‌ایی که در این آیین‌نامه بحث می‌شود تعیین نیروی زلزله وارد بر ساختمان و کنترل نا منظمی‌ها در سازه می باشد.





گزارش روزنامه نیویورک تایمز

دلایل موفقیت و شکست ۹ کشور در مواجهه با بحران تورم

چین، ویتنام و برزیل اشاره می‌کند و این دسته از کشورها را ذیل نظام‌های دموکراتیک و دیکتاتوری بوروکراتیک، تقسیم‌بندی می‌کند که در آن به دلیل تداوم نهادها و حاکمیت قانون تورم مدیریت شده است. در واقع اگرچه در مقاطعی در نظام‌های دموکراتیک نیز تورم طغیان کرده، اما طراحی قواعد به گونه‌ای است که با تغییر سیاستمداران و برنامه‌ها اقتصاد دوباره به ریل بازمی‌گردد.

بحران‌های تورمی مانند آنچه در ترکیه رخ داده و سراسر کشور را در بر گرفته برای هر حکومتی می‌تواند خبر بدی باشد، اما این وضعیت می‌تواند برای اقتدارگرایان و پوپولیست‌های قدرتمند خطرناک باشد. به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، این نوع بحران‌ها به‌طور غیرمعمولی برای این افراد ناخوشایند است، به‌طور غیرمعمولی آنها را از سرو سامان دادن یا کند کردن رویه تورم عاجز می‌سازد. آنها، معمولاً به‌طور متوسط نرخ تورم بالاتری دارند و ارزش پول رایج خود را به‌طور مصنوعی پایین نگه می‌دارند. در این کشورها بانک‌های مرکزی از استقلال کمتری برخوردارند و کمتر اجازه مداخله به آنها داده می‌شود؛ فاجعه‌ای بالقوه که به خودی خود نشانه‌هایی از تضعیف و پذیرش مسئولیت‌هایی فراتر از سیاست‌های پولی است اما این رویه، هسته مرکزی قاعده حکومتداری مردان قدرتمند را تشکیل می‌دهد.

پیش از ترکیه، نیکولاس مادورو و سلف او هوگو چاوز در ونزوئلا چنین رویه‌ای داشتند

یک مطالعه تحقیقاتی که در سال ۲۰۰۸ صورت گرفت نشان داد وقتی یک کشور سیستم حقوقی‌اش از بین می‌رود، تورم در آن سر به فلک می‌کشد. حتی اگر حاکمیت قانون تنها در چند بخش ضعیف باشد، در نهایت با آن نوع روسای بانک مرکزی روبه‌رو می‌شود که دیگر استقلال خود را ندارند و در نهایت خود تبدیل به یک عامل پیرو و وفادار به سیستم درآمده‌اند.

چرا چین، ویتنام و برزیل در مهار تورم موفق بودند اما پرو، نیکاراگوئه، آرژانتین، ونزوئلا، ترکیه و زیمبابوه نه؟ روزنامه نیویورک تایمز با بررسی تجارب این کشورها به منشأ سیاسی طغیان تورم پرداخت. به نوشته این روزنامه، اقتدارگرایی فردی و پوپولیستی باعث تضعیف و از میان رفتن نهادها، رقیبان سیاسی و سرانجام سیستم حقوقی می‌شود. این رویه استقلال بانک مرکزی را به‌عنوان مهم‌ترین نهاد مهارکننده تورم به دلیل مداخله‌های دائمی از بین می‌برد. به همین دلیل است که در برخی از برهه‌ها و اخیراً در ترکیه و ونزوئلا مهار تورم سرکش به ماموریتی غیرممکن تبدیل می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که ترکیه در ماه جولای پس از سال‌ها در حال تجربه کردن تورم دو رقمی یعنی در حدود ۱۶ درصد است و ونزوئلا نیز طبق آخرین برآورد صندوق بین‌المللی پول تا پایان سال ۲۰۱۸ تورم یک میلیون درصدی را میزبانی می‌کند.

به گزارش پایگاه خبری اقتصادی معاصر، روزنامه نیویورک تایمز به مدل‌های سیاسی

و کشور را از سوی رونق به سمت ویرانه‌ای سوق دادند و این به‌خاطر غیر قابل کنترل شدن تورم رخ داد. وقتی این بحران‌ها در کشورهای دموکراتیک رخ می‌دهد، رهبران منتخب به‌طور معمول جای خود را به افراد دیگری می‌دهند که تورم را مهار کنند.

تورم‌های این چنینی بارها در کشورهای آمریکای لاتین مانند پرو، نیکاراگوئه و آرژانتین رخ داده است. اما اینها نوع دیگری از اقتدارگرایی به حساب می‌آیند؛ کشورهایی که به‌وسیله احزاب، پادشاهان یا نظامی‌هایی اداره می‌شوند که ممکن است به فروپاشی برسند، چنانکه در برزیل این امر اتفاق افتاد اما آنها اراده و انعطاف این مسئله را دارند که برخی اصلاحات را اعمال کنند. پوپولیست‌های قدرتمند، به دلیل روابط خاص‌شان با شهروندان، نخبگان و دستگاه‌های سیاست‌گذاری، تمایل دارند متفاوت باشند. مادورو مدام پول چاپ کرد و دراماتیک‌ترین بحران را به وجود آورد. یک دهه پیش از آن، رابرت موگابه در زیمبابوه، دست به اقدامی مشابه زد و به همان نتیجه رسید.

اینکه رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه در همین مسیر قرار گرفته یا نه، مشخص نیست اما وی از مدت‌ها پیش دست به رفتارهای مشابه زده و به منافع بلندمدت کشور خود فکر نمی‌کند و محصور در سیستم خودساخته خویش شده است و از الگوهای مشابه پیروی می‌کند. از هم پاشیدن ترکیه، بیش از آنکه ناشی از چنگ زدن‌های اردوغان به قدرت باشد، یک کلاس کوچک از آسیب‌شناسی چنین حکومت‌هایی است، چنانکه دیگر پوپولیست‌های قدرتمند نیز پیش‌تر به همین سرنوشت دچار شدند. این آسیب‌شناسی به یادمان می‌آورد اگرچه در ظاهر نظام‌شان در حال برخاستن است، اما ریسک‌هایی نیز به همراه دارد که احتمالاً به فروپاشی منجر خواهد شد.

چه نوع تورمی تهدیدکننده است؟

هر دیکتاتوری می‌داند که تورم می‌تواند خطرات اساسی ایجاد کند و موجب از بین رفتن مشروعیت در سطح عمومی شود و خشم نخبگان را برانگیزد. رهبران منتخب در دموکراسی‌ها (در اغلب اوقات) فقط کرسی خود را از دست می‌دهند، اما دولت



اقتدارگرا می‌تواند به آسانی سقوط کند. در سال ۱۹۸۹، کارگران عصبانی از تورم در چین به دانشجویان آرمان‌گرا در تظاهرات ضد حکومتی پیوستند که البته حکومت در عصر مدرن پاسخی خونین به این اعتراضات داد. تورم می‌تواند برای اقتدارگرایان بسیار خطرناک باشد، در غیر این صورت باید اصلاحات غیرقابل پیش‌بینی را متصور شد. رهبران ویتنام، در دهه ۱۹۸۰ نگران این بودند که تورم منجر به سقوط سیستم کمونیستی شود، از این رو به سمت اقتصاد بازار محور چرخش پیدا کردند. اقتدارگرایی دارای چندین شکل است: دولت تک‌حزبی (مانند کوبا یا چین)، پادشاهی (مانند عربستان سعودی) یا دیکتاتوری نظامی (مانند تایلند امروزی یا حکومت‌های نظامی در چند دهه اخیر). مردان مستبدی که پایه‌های قدرت خود را مستحکم و نهادهای چالشگر را نابود می‌کنند، می‌توانند به دست خود و به آسانی بحران‌هایی را ایجاد کنند که در ادامه کنترل این بحران‌ها سخت شود.

وقتی رشد به خطر تبدیل می‌شود

عامل عمده به وجود آمدن این‌گونه مسائل معمولا در نحوه به قدرت رسیدن مردان قدرتمند است: آنها در یک دموکراسی نصفه و نیمه یا در بعضی مواقع از دل رژیم‌های نظامی یا تک‌حزبی قدرت می‌گیرند. این موجب می‌شود آنها سیستم قدیمی را از بین ببرند، چراکه آن را تهدیدی برای خود می‌بینند. این دقیقا نقطه شروع مشکلات است. اریکا فرانتز، یک محقق حوزه مطالعاتی اقتدارگرایی که در دانشگاه میشیگان تدریس می‌کند، می‌گوید: نااطمینانی از آینده آنها را به سمت انتخاب‌هایی که در درازمدت بد است، سوق می‌دهد.

همان‌طور که آنها نهادها و رقبایشان را می‌کوبند، مشروعیت خود را تضعیف می‌کنند و برای رسیدن به رشد پیوسته عاجزتر و ناامیدتر می‌شوند. این رویه موجب ولخرجی می‌شود و در مورد اردوغان مصداق بارز مقروض شدن فراوان است. دولت او شرکت‌ها را تشویق کرد تا روی وام‌های خارجی حساب ویژه باز کنند و همین سیاست موجب رشد شگرف اقتصاد شد و همان‌گونه که در این عرصه اردوغان محبوب می‌شد، او درهای سیاست را به روی رقبای

خود می‌بست. اما حالا بحران بدهی‌های ارزی در حال انفجار است. چین هم در ظاهر این سهم درخشانش را از پروژه‌های زیربنایی و سرمایه‌گذاری‌های افراطی به دست آورده است. اما دیکتاتوری‌هایی که توسط یک دیوان‌سالاری سلطنتی، نظامی یا حزبی اداره می‌شوند، چیزی دارند که مردان اقتدارگرا و قدرتمند به دنبال نابودی آن هستند: نهادها.

حتی اگر نهادها به ندرت کارکرد منصفانه یا درست داشته باشند، دست‌کم این نقطه مثبت را دارند که قابل پیش‌بینی هستند یا می‌توانند مستقل بمانند. این باعث می‌شود آنها بهتر بتوانند مشکلات را اداره یا از بروز مشکلات پیشگیری کنند، به خصوص در مورد بانک مرکزی. اگر بانک مرکزی یک دیکتاتوری به عنوان یک نهاد معتبر و مستقل دیده شود، راحت‌تر می‌تواند تورم را مهار کند. اما اگر بانک مرکزی به عنوان یک نقطه حساس دیده شود که مردان قدرتمند خود را مجاز به دخالت در امور آن بدانند، تورم می‌تواند به نقطه غیرقابل مهارت برسد. مردان قدرتمندی همانند چاوز یا اردوغان که داماد خود را در راس امور مالی قرار داده است، تمایل داشته و دارند که در امور بانک مرکزی دخالت کنند. هر چند هر دوی این افراد در کوتاه مدت شیرینی رشد خود را چشیده‌اند، اما به نهادها به عنوان یک دشمن یا رقیب نگریسته‌اند. در این شرایط تورم رشد می‌کند اما آنها دیگر قادر به مهار تورم نیستند، چراکه مهم‌ترین نهاد مهار تورم را تضعیف کرده‌اند.

مردان قدرتمند چگونه بحران‌ساز می‌شوند؟

مردان قدرتمند اقتصاد کشورهایشان را به طرق مختلف تضعیف می‌کنند. بنابه گفته یک مطالعه تحقیقاتی که در سال ۲۰۰۸ صورت گرفته است، وقتی یک کشور سیستم حقوقی‌اش از بین می‌رود، تورم در آن سر به فلک می‌کشد. حتی اگر حاکمیت قانون تنها در چند بخش ضعیف باشد، در نهایت با آن نوع روسای بانک مرکزی روبه‌رو می‌شود که دیگر استقلال خود را ندارند و در نهایت خود تبدیل به یک عامل پیرو و وفادار به سیستم در آمده‌اند. دیکتاتوری‌های بوروکراتیک مانند چین، اغلب سعی در تقویت سیستم‌های حقوقی خود دارند تا

راه حکومت خود را هموار کنند، حتی اگر سیستم‌های قانونی‌شان ناقص باشد باز هم می‌تواند منجر به دوام آنها شود. اما یک رهبر مانند اردوغان که دست به پاکسازی سیستم قضایی خود زده است، دستگاه قضایی را به عنوان یک دشمن تلقی می‌کند. تحت مدیریت مردان قدرتمند، اقتصاد کمتر به سمت شایسته‌سالاری می‌رود و به این ترتیب احتمالا به تقویت یک حباب یا افزایش بدهی منجر می‌شود تا رشد. مقامات رده میانی و سطح پایین می‌دانند که اولین وظیفه آنها این است که کاری انجام دهند که خوشایند مردان قدرتمند باشد تا مورد ستایش و تشویق آنها قرار گیرند، بنابراین آنها بیشتر وعده‌های پوچ می‌دهند. در اینجا خوش خدمتی جای شایسته‌سالاری را می‌گیرد. در یک سیستم بوروکراتیک‌تر، دست‌کم در تئوری، شایسته‌سالاری به خوش خدمتی می‌چربد. در این سیستم مقامات به چشم اندازه‌های بلند مدت نظر دارند و از داده‌های اقتصادی ناخوشایند درس می‌گیرند. این‌گونه نیست که چنین مدیرانی روشن‌فکرتر هستند، بلکه آنها به حاکمیت دراز مدت و با ثبات خود فکر می‌کنند. اما در سیستم حاکمیتی مردان قدرتمند، حتی در میان خود مدیران، رشد کمتر از پیوستگی برخوردار است.

در تحقیقات فرانتز اشاره‌ای به این شده است که دیکتاتورها در جنگ چگونه رفتار می‌کنند و به گفته وی شخصیت‌های دیکتاتور همیشه به اطلاعات دقیق یا توصیه‌های روشن‌گر دسترسی ندارند. آنها با ایزوله کردن خودشان در میان حلقه‌های وفادار و چاپلوس خود قرار گرفته‌اند و در مسیر خطاهای فاجعه‌بار قرار می‌گیرند. اریکا فرانتز می‌گوید: این سیاست تا حدی کورکورانه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی هم تاثیر می‌گذارد. او می‌افزاید: نوسانات نرخ تورمی در حکومت مردان قدرتمند بیشتر از هر نوع دیکتاتوری دیگر دیده می‌شود. نتیجه این است که مردان قدرتمند صرفا کشور را دچار بدهی فراوان نمی‌کنند، آنها با کارهای غیرهوشمندانه و غیرقانونی سیاست‌های غلط خود را به بانک مرکزی تحمیل می‌کنند. آنها می‌توانند در دام بحران‌هایی بیفتند که دیگر کشورها فاصله بسیاری با این نوع بحران‌ها دارند.





تاریخ: ۱۳۹۹/۵/۱۳

شماره: ۹۹-۶۲۸۶۱

پیوست:

"به نام خدا"

جناب آقای دکتر سعید شیر گوند

معاون محترم هماهنگی و نظارت اقتصادی و زیر بنائی معاون اول رئیس جمهور

با سلام؛

احتراماً، سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران با بیش از ۷۲ سال قدمت و ۷۰۰ شرکت پیمانکاری دارای رتبه یک و دو از سازمان برنامه و بودجه کشور بعنوان مجریان اصلی طرح‌های عمرانی کشور در خصوص شمولیت شرکت‌های پیمانکاری به عنوان بنگاه‌های تولیدی در تحقق شعار "جهش تولید" که از دغدغه‌های مقام معظم رهبری و پایه تحقق اقتصاد مقاومتی می‌باشد به استحضار می‌رساند:

از الزامات اساسی تولید داخل و جهش آن، توسعه زیرساخت‌های کشور در همه زمینه‌ها از جمله راه‌های مواصلاتی و ارتباطی (شبکه‌های ریلی، جاده‌ای و هوایی)، حوزه انرژی (برق، آب، گاز و...) و سایر طرح‌های عمرانی می‌باشد. در حوزه صنعت احداث فعالان اقتصادی زیادی با صرف سرمایه و دانش مهندسی و با ایجاد اشتغال حدود ۳ میلیون نفری علاوه بر تامین نیازهای داخل در حال حاضر خدمات فنی و مهندسی به خارج از کشور نیز صادر می‌نمایند این توان و ظرفیت کاری بالا با سرمایه‌گذاری و اجرای طرح‌های عمرانی، توسعه کشور و اشتغال ثابت و جهش تولید را به همراه خواهد داشت.

در اهمیت این صنف موثر و اثرگذار این نکته قابل تامل است که علاوه بر اینکه نیاز اصلی کارخانجات تولیدی ابتدا زیرساخت می‌باشد و محصول تولیدی اکثر کارخانجات تولیدی نیز توسط همین فعالیتهای اقتصادی مصرف می‌گردد. (مصالح ساختمانی و...) محصول این صنعت نوعی تولید است یا راهی ساخته می‌شود یا زیر ساختی دیگر.

متأسفانه صنعت احداث بعنوان پیشران اقتصادی و توسعه زیرساختی کشور با نگاه تبعیض آمیز قانونگذار و مقامات اجرائی با تفکیک واژه "تولید" و "خدمات" از تسهیلات و حمایت‌های لازم محروم گردیده است. در قوانین و مقررات مختلفی که به حمایت از تولید تدوین و تصویب و ابلاغ می‌گردد صرفاً بدلیل استفاده از واژه "تولید"، نهادها و سازمان‌های اجرائی کشور در ارائه خدمات و تسهیلات با تفکیک واژه "تولید" و "خدمات" و دسته‌بندی این موضوع تمام تسهیلات و امتیازات قانونی را برای تولیدکنندگان در نظر گرفته و این صنف عظیم و مهم در تولید را از اثرات و توجهات قانون بی‌بهره می‌نمایند. بعنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ارائه خدمات بانکی کشور از جمله ارائه تسهیلات و امهال معوقات بانکی و تسهیل تسویه بدهی بانکی و افتتاح حساب ویژه به موجب مواد ۲۱ و ۲۳ قانون رفع موانع تولید به واحدهای تولیدی تعلق می‌گیرد و شرکت‌های خدماتی از این حق محروم می‌گردند و همچنین قانون "تسهیل بدهی بدهکاران شبکه بانکی کشور" که برای تسهیل بدهی





تاریخ: ۱۳۹۹/۵/۱۳

شماره: ۹۹-۶۲۸۶۱

پیوست:

و تقسیط بدهی غیرجاری واحدهای تولیدی را در راستای رفع موانع تولید در تاریخ ۹۸/۱۰/۸ تصویب و ابلاغ نمود شعب بانکها به بهانه‌های مختلف بهره‌مندی شرکتهای پیمانکاری از قانون و بخشنامه مذکور و ارائه خدمات و تجدید یا امهال بدهی تسهیلات را به بهانه استفاده از واژه "تولیدی" دریغ می‌نمایند.

- محدودیت معافیت‌های مالیاتی صرفاً برای بنگاههای تولیدی به موجب ماده ۳۰ قانون رفع موانع تولید و سایر بخشنامه‌ها و مصوباتی که در راستای حمایت از تولید مصوب و ابلاغ می‌گردد.
- بخشودگی جرائم بیمه تامین اجتماعی که به طور مثال یک مورد آن در سال ۹۸ ابلاغ گردید صرفاً با مجوز ستاد تسهیل برای واحدهای تولیدی اجرا گردید و ستاد تسهیل و رفع موانع تولید از پذیرش درخواست واحدهای خدماتی خودداری نمود.

با عنایت به ابلاغ آئین‌نامه اجرائی ماده ۶۱ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور که در بند «۵» ماده «۱» آئین‌نامه مذکور صراحتاً «تولید» را اعم از «تولید» و «خدمات» تعریف نموده لیکن در اجرا استفاده از ظرفیت قانون برای واحدهای خدماتی میسر نمی‌باشد درخواست این تشکل صنفی شمولیت قوانین و مقررات امتیازی و تسهیلات اعطائی مربوط به تولیدکنندگان به شرکتهای پیمانکاری در راستای حمایت از زیرساخت‌های تولید و صنعت احداثی که تولید به آن وابسته است و جهش تولید را در پی خواهد داشت، می‌باشد.

خواهشمند است به متولیان امر دستور فرمایند با مشمول نمودن شرکتهای خدماتی پیمانکاری جزء واحدهای تولیدی امکان فعالیت بیش از پیش و برخورداری از تسهیلات و شرایط ویژه با هدف حمایت و مساعدت شرکتهای فعال حوزه صنعت احداث در سال «جهش تولید» فراهم گردد.

قبلاً از دستوری که صادر می‌فرمایید، سپاسگزاری می‌نماید.

با سپاس
ایرج کلانچونچی
دیبر
۱۴/۵/۹۹





جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

رئیس‌جمهور و معاونان
معاون اول رئیس‌جمهور

شماره: ۴۴۷۱۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸

ساعت: ۱۲:۳۳

طبقه‌بندی: عادی

فوریت: عادی



بسمه تعالی

سرکار خانم تقی‌زاده

رئیس محترم امور تنظیم لوایح و تصویب‌نامه‌ها و دفاع از مصوبات دولت

سلام علیکم؛

با احترام، به پیوست درخواست جامعه مهندسان مشاور ایران (نامه شماره ۱۶۲۵-۹۹/۱۱۴ مورخ ۹۹/۴/۱۷) در خصوص درخواست "شمول شرکت‌های مهندسی مشاور به عنوان شرکت‌های تولیدی" ارسال می‌گردد. جامعه مذکور براساس مفاد بند «۵» ماده «۱» آیین نامه اجرایی ماده (۶۱) الحاقی قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (مصوبه شماره ۱۴۹۳۸۲/ت ۵۷۰۲۵ هـ مورخ ۹۸/۱۱/۲۱ هیات وزیران) ادعای شمول در جزء واحدهای تولیدی داشته و خواستار اعلام مراتب به تمام دستگاه‌های ذیربط (ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، سازمان امور مالیاتی، سازمان تأمین اجتماعی و ...) جهت برخورداری از تسهیلات و امکانات پیش بینی شده و ظرفیت‌های قانونی موجود برای شرکت‌های تولیدی را دارد. با توجه به توضیحات فوق، خواهشمند است ضمن بررسی و اعلام نظر در این خصوص (شمول و یا عدم شمول شرکت‌های مهندسی مشاور بعنوان واحدهای تولیدی)، مراتب را به این حوزه منعکس فرمایید.

سید حسن غضنفری

رئیس امور هماهنگی و نظارت تولیدی و زیربنایی

رو نوشت

جناب آقای دکتر شرکوند، معاون محترم هماهنگی و نظارت اقتصادی و زیربنایی معاون اول، جهت استحضار
جناب آقای مهندس امینی، رئیس محترم شورای مدیریت جامعه مهندسان مشاور ایران جهت استحضار



پیام‌آبادگران
مرداد ماه ۱۳۹۹
شماره ۳۸۸



"به نام خدا"

حضور گرامی جناب آقای دکتر نهادیان

معاون محترم اقتصادی رئیس جمهور

موضوع: حل مشکل شرکتهای صادرکننده خدمات فنی و مهندسی در سال ۹۷

با سلام

احتراماً، با سپاس از زحمات و تلاشهای موثر و راهگشای حضرتعالی در دولت محترم در خصوص موضوع فوق به استحضار عالی می‌رساند:

همانطوریکه مستحضرد تعدادی از شرکتهای پیمانکاری عضو این تشکل در شرایط اقتصادی کشور با قبول تمام سختی‌ها و دشواریهای موجود در عرصه صدور خدمات فنی و مهندسی بدون دریافت ارز خاص و عدم انتقال ارز به خارج از کشور فعالیت می‌نمایند. مطابق رویه پیمانکاران عمرانی کشور که اقدام به صدور خدمات فنی و مهندسی می‌نمایند پس از اتمام عملیات پیمانکاری و تحویل پروژه با هدف تقویت بنیه مالی و توسعه شرکت و پروژه‌های خود در داخل کشور اقدام به بازگشت درآمد ارزی حاصل از صادرات می‌نمایند که این امر در سوابق شرکتهای قابل بررسی است.

"براساس جز (۱) بند (ک) تبصره (۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۹ صادرات خدمات فنی- مهندسی و بخش کشاورزی از شمول شروط این بند یعنی رفع تعهد ارزی به منظور استفاده از مشوق‌های مالیاتی مستثنی شده‌اند ولی این حکم در بند (ج) تبصره ۸ قانون بودجه سال ۹۸ برای استفاده از مشوق‌های مالیاتی در سال ۹۷" تصریح ندارد لذا در حال حاضر که سازمان امور مالیاتی پرونده‌های سال ۹۷ اینگونه صادرکنندگان را رسیدگی می‌نماید، نسبت به شناسایی درآمد ارزی و سود ناشی از تسعیر نرخ ارز و مطالبه مالیات عملکرد مربوط به سال ۹۷ آنها همانند سایر مشمولین این حکم (رفع تعهد ارزی به منظور استفاده از مشوق‌های مالیاتی) اقدام نموده است در حالیکه درآمدهای حوزه پیمانکاری پس از کسر همه هزینه‌ها و در پایان پروژه قابل محاسبه بوده و سود ناشی از فعالیت پیمانکاری مشخص و در پرونده مالی شرکت ثبت می‌گردد این اقدام سازمان امور مالیاتی مشکلات فراوانی برای شرکتهای صادرکننده خدمات فنی و مهندسی ایجاد نموده و پیگیری‌های صورت گرفته از بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی با عنوان اینکه بایستی موضوع در شورای هماهنگی اقتصادی مطرح شود به نتیجه‌ای نرسیده است.

خواهشمند است دستور فرمایند موضوع در جلسه شورای هماهنگی اقتصادی با عنایت به اخذ مجوزهای لازم جهت صدور خدمات مهندسی به خارج از کشور که با هدف توسعه صادرات غیرنفتی مورد تاکید دولت محترم و نیاز کشور انجام می‌گیرد با تسری استثناء مربوط به حکم جز (۱) بند (ک) تبصره (۶) قانون بودجه سال ۹۹ به سال ۹۷ بررسی و دستورالعمل‌های مربوطه اصلاح گردد.

پیشاپیش از همکاری و مساعدت جنابعالی سپاسگزاری می‌نماید.

با تقدیر احترام
ایرج کلانتری
دبیر



درخواست تمدید رتبه‌های ۱ و ۲ پیمانکاران از نظام فنی و اجرایی



سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

تاسیس: ۱۳۲۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

شماره: ۹۹-۶۲۸۳۶

پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

با توجه به صدور بخشنامه نظام فنی اجرایی با موضوع تمدید رتبه‌های ۳ و ۴ و ۵ در شرایط شیوع بیماری کرونا و جلوگیری از مراجعات مکرر متقاضیان، دکتر ایرج گلابتونچی رئیس سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران "درخواست تمدید رتبه‌های ۱ و ۲ پیمانکاران از نظام فنی و اجرایی" را در نامه ای به دکتر قانع فر رئیس امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه کشور مطرح کرد. متن نامه دکتر گلابتونچی بدین شرح است.

جناب آقای دکتر سید جواد قانع فر

رئیس محترم امور نظام فنی و اجرایی

سازمان برنامه و بودجه کشور

با سلام و احترام، پیرو دریافت نامه شماره ۲۰۶۹۸۹/۹۹ مورخ ۲۹ تیر ۹۹ آن ریاست محترم درباره موضوع تمدید گواهینامه‌های پیمانکاری پایه‌های ۳، ۴ و ۵ خواهشمند است به منظور حفظ سلامت و پیشگیری از مراجعات و اقدامات منتهی به تمدید صلاحیت پیمانکاران دارای رتبه‌های ۱ و ۲ دستورات مشابهی صادر فرمایید.

تصدیق می‌فرمایید که مراحل اخذ، اقدامات و مراجعات مربوط به پایه‌های بالاتر، بیشتر بوده و امکان مخاطره همچنان بالاست.

ضمناً همانگونه که استحضار دارید با تغییر نصاب امتیازات پیمانکاران بر اساس بخشنامه شماره ۱۱۷۹۲۱/۹۹ مورخ ۱۱ خرداد ۹۹ و با توجه به افزایش ناگهانی نرخ دلار و رشد شدید قیمت‌ها در اثر تحریم‌های ظالمانه، تنها در دو سال اخیر، این نصابها بیش از دوبرابر افزایش یافته است و این موضوع باعث افت شدید رتبه‌های پیمانکاران خواهد گشت.

لذا با توجه به فشارهای همه جانبه وارده و شرایط استثنایی حاکم بر کشور در اثر پاندمی کووید ۱۹، خواهشمند است دستور فرمایید اجرای بخشنامه فوق‌الذکر به تعویق افتاده و اعمال ضرایب جدید به شرایط غیرفورس مازور فعلی موکول گردد.

با تشکر

ایرج گلابتونچی

دبیر

"به نام خدا"

جناب آقای دکتر سید جواد قانع فر

رئیس محترم امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه کشور

با سلام و احترام، پیرو دریافت نامه شماره ۹۹/۲۰۶۹۸۹ مورخ ۹۹/۰۴/۲۹ آن ریاست محترم درباره موضوع تمدید گواهینامه‌های پیمانکاری پایه‌های ۲، ۳ و ۴ خواهشمند است به منظور حفظ سلامت و پیشگیری از مراجعات و اقدامات منتهی به تمدید صلاحیت پیمانکاران دارای رتبه‌های ۱ و ۲ دستورات مشابهی صادر فرمایید.

تصدیق می‌فرمایید که مراحل اخذ، اقدامات و مراجعات مربوط به پایه‌های بالاتر، بیشتر بوده و امکان مخاطره همچنان بالاست.

ضمناً، همانگونه که استحضار دارید با تغییر نصاب امتیازات پیمانکاران بر اساس بخشنامه شماره ۹۹/۱۱۷۹۲۱ مورخ ۹۹/۰۳/۱۱ و با توجه به افزایش ناگهانی نرخ دلار و رشد شدید قیمت‌ها در اثر تحریم‌های ظالمانه، تنها در دو سال اخیر، این نصابها بیش از دوبرابر افزایش یافته است و این موضوع باعث افت شدید رتبه‌های پیمانکاران خواهد گشت. لذا با توجه به فشارهای همه جانبه وارده و شرایط استثنایی حاکم بر کشور در اثر پاندمی کووید ۱۹، خواهشمند است دستور فرمایید اجرای بخشنامه فوق‌الذکر به تعویق افتاده و اعمال ضرایب جدید به شرایط غیرفورس مازور فعلی موکول گردد.

با تشکر
ایرج گلابتونچی
دبیر
۱۳۹۹/۰۵/۰۸



پیام‌آبادگران

مرداد ماه ۱۳۹۹

شماره ۳۸۸



"به نام خدا"

جناب آقای دکتر همتی

ریاست محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

موضوع: درخواست مساعدت به منظور تامین سپرده لازم برای اخذ ضمانت‌نامه‌های صادرکنندگان خدمات مهندسی به ویژه به عراق

با سلام و احترام: همانگونه که مستحضرید یکی از بزرگترین مشکلات فراروی صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی به کشورهای هدف صادراتی بویژه عراق، عدم امکان دریافت ضمانتنامه و به تبع آن عدم امکان شرکت در مناقصات و اخذ کار در این حوزه مهم اقتصادی است. تحریم‌های ظالمانه در شرایط فعلی بر دشواریها، در این خصوص بیش از پیش افزوده است؛ بدون شک در صورت عدم اتخاذ تصمیم مناسب در اسرع وقت، عملاً صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی قادر نخواهند بود در کشورهای هدف بویژه عراق به اخذ پروژه اهتمام نموده و به صدور خدمات بپردازند و منجر به از دست دادن این بازار خواهد شد. از سوی دیگر مشکلات ناشی از انتقال و جابه‌جایی ارز در قراردادهای جاری و در دست انجام صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی نیز مقوله مهم و تاثیرگذار دیگری است که قطعاً با اتخاذ یک راهکار مناسب که جنابعالی به خوبی بر آن اشراف دارید می‌توان از معضلات مربوطه اجتناب نمود و کارها را به سرانجام رسانید.

سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران در خصوص دو موضوع فوق پیشنهاد می‌نماید از محل سپرده‌های دولت محترم جمهوری اسلامی ایران نزد دولت عراق مبلغی تا سقف پیشنهادی یک میلیارد یورو یا هر ارزی که صلاح می‌دانید به عنوان سپرده صدور ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصات، پیش‌پرداخت، حسن انجام تعهدات و گشایش اعتبارات اسنادی ارزی یا به منظور مساعدت جهت ارائه تسهیلات به شرکت‌های دارای کار در خارج از کشور، در نزد دولت عراق مسدود گردیده و صرفاً به این منظور با هماهنگی آن بانک از این محل اقدامات بایسته معمول گردد.

بدیهی است متعاقباً مابه‌ازای صدور ضمانت‌نامه‌ها یا گشایش اعتبارات اسنادی یا مساعدت به شرکت‌های ایرانی که در خارج از کشور فعال و مشغول به صدور خدمات فنی و مهندسی هستند، این شرکتها نسبت به ارائه ضمانت‌نامه یا تضامین مورد تایید به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا پرداخت معادل ریالی، ارز تخصیصی داده شده از محل مذکور (در صورت پرداخت ارز در عراق) در داخل کشور متناسباً اقدام نمایند.

با این روش می‌توان مشکلات مذکور را کنترل نموده و باعث گردید که صادرکنندگان این حوزه مهم اقتصادی بتوانند به ادامه خدمات پرداخته و با ادامه صدور دانش و خدمات مهندسی جمهوری اسلامی ایران به خارج از کشور در اعتلای نام و نشان دادن عزت جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش مشارکت نمایند.

پیشاپیش از دستور مساعد حضرت‌تعالی که همکاران حامی صادرکنندگان کشور بویژه صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی بوده و هستید، سپاسگزاری می‌نماید.

ایرج گلایونچی
دبیر

۶/۲/۹۹

رونوشت: جناب آقای دکتر واعظی، ریاست محترم دفتر ریاست جمهوری جهت استحضار





تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۵

شماره: ۹۹-۶۲۹۴۸

پیوست:

"به نام خدا"

جناب آقای مهندس مظفر علیخانی

معاون محترم استان ها و تشکل های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

موضوع: اظهار نظر در مورد تدوین برنامه راهبردی چهارساله مجلس یازدهم

با سلام و احترام؛

بازگشت به نامه شماره ۱۴/۴۴۱۶/ص مورخ ۹۹/۵/۲۲ در خصوص تدوین برنامه راهبردی چهارساله مجلس یازدهم، به استحضار می‌رساند طبق روال معمول مجلس محترم دوره یازدهم، برنامه راهبردی ۴ ساله خود را منطبق با سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، برنامه ششم توسعه و لحاظ شرایط اقتصادی و دیپلماتیک و بر مبنای نیازها و ضرورت‌های جامعه طراحی و تدوین خواهد نمود. ایجاد ثبات سیاسی که مقدمه ضروری و لازم برای نیل به امنیت اقتصادی است از اولویت‌های هر سه قوه محترم مقننه، مجریه و قضائیه است.

در این راستا سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران به عنوان قدیمی‌ترین تشکل صنفی کشور اولویت‌های موضوعی خود را که یقیناً در راستای حل معضلات مردم و رفع مشکلات ایشان می‌باشد، برای تدوین در برنامه چهارساله پیش روی مجلس محترم را به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

۱) حفظ و ماندگاری صنعت احداث و شاغلین این صنعت

در سالهای اخیر با توجه به تحریم‌های ظالمانه از یک سو و کاهش بودجه های عمرانی و عدم تخصیص بودجه های مصوب از سوی دیگر و نیز استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی (اسناد خزانه اسلامی و ...) و ورود گسترده شرکت‌های دولتی و عمومی به عرصه پیمانکاری، آسیب های جدی به صنعت احداث وارد گردیده است.

۱-۱ اصلاح قانون بودجه و قوانین تأمین مالی و ایجاد روشهای جدید دراستفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی که کمترین اثر سوء بر صنف داشته باشد، می‌تواند ضمن ایجاد تداوم فعالیت فعالان اقتصادی حوزه صنعت احداث به تأمین اشتغال پایدار، امنیت، توسعه و آبادانی کشور بینجامد:

۱-۲ تدوین و وضع قوانین جدید همانند قانون مشارکت عمومی - خصوصی جایگزین روشهای فعلی طرحهای عمرانی که از طریق بودجه عمرانی اجرا می‌گردند، ضمن حفظ و بقای صنعت احداث و در توسعه زیرساخت و تولید کشور ضرورت فراوان دارد، این قانون می‌تواند با جذب سرمایه، فضای امن برای سرمایه گذاران بخش خصوصی فراهم آورد و هزاران پروژه نیمه تمام کشور را به سرانجام برساند.

۱-۳ استفاده از توان فنی و مهندسی و سرمایه ای کارآفرینان و سرمایه گذاران ایرانی مقیم خارج در توسعه و آبادانی کشور با نگاه منافع ملی و ارائه تضمین های عملی امنیتی و اقتصادی به آنان باتصویب قوانین لازم.

۱-۴ تنوع بخشیدن به درآمدهای ارزی از طریق توسعه صادرات غیر نفتی و افزایش سهم اقتصاد ایران در تجارت بین الملل با استفاده از ظرفیت های دیپلماسی کشور و با نگاه جدید و اثر گذار (علی الخصوص صدور خدمات فنی و مهندسی)





۵-۱ تدوین قوانینی به منظور اصلاح نظام بانکی تا با حمایت دولت بانکها به جای بنگاه داری ، به عنوان سرمایه گذار در پروژه های زیربنایی عام المتفعه اقدام نمایند.

۶-۱ تعریف و تفکیک بخش خصوصی از بخشهای غیر خصوصی و ایجاد بستر مناسب ، عادلانه و متناسب با منافع ملی در جهت انجام کارهای عمرانی کشور توسط بخش خصوصی با توجه به توانایی ها و سوابق ایشان و سوق دهی شرکتهای دولتی و عمومی وابسته به نهادهای حاکمیتی (دولتی ، نظامی و انتظامی) به سمت تشکیل هلدینگهای سرمایه گذاری.

۷-۱ تدوین قوانین برای حل مسائل دهها هزار پروژه نیمه تمام و به پایان رسانیدن و بهره برداری از آنها.

۲) اصلاح قوانین محل کسب و کار و تصویب و جایگزینی قوانین تسهیل گر

در حال حاضر برخی از قوانین با ایجاد اصطکاک، فضای کسب و کار بخش خصوصی علی الخصوص در حوزه صنعت احداث را دچار فرسایش و ناکارآمدی نموده است، پیشنهاد می گردد با دریافت نظرات کارشناسانه بخش خصوصی برخی از قوانین که در وضعیت فعالیت های این حوزه و اقتصاد کشور اثر گذار می باشد، با هدف اصلاح قوانین محل کسب و کار اقدام لازم را به عمل آورد.

۱-۲ اصلاح برخی از مواد قانونی مالیات های مستقیم مربوط به صنعت احداث

۲-۲ تصویب لایحه مالیات بر ارزش افزوده اصلاحی

۳-۲ تصویب طرح اصلاح ساختار ، قانون اجتماعی (احیای شورای عالی)

۴-۲ اصلاح قانون رفع موانع تولید یا هدف تسری امتیاز و تمهیدات مد نظر بخش تولید به بخش خدمات

۵-۲ ...

در رابطه با وظایف نظارتی مجلس شورای اسلامی و حتی در حوزه قانون گذاری درخواست می شود نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی فارغ از حوزه انتخابیه خود و با رویکرد ملی نظرات سازنده خویش و دریافتی از بخش خصوصی را ارائه و از بخشی نگری خودداری و با تدوین برنامه و به صورت نظام مند و مستمر بر اجرای صحیح قوانین نظارت فرمایند.

در خاتمه خاطر نشان می سازد ، عملاً مجریان قوانین حوزه صنعت احداث و انرژی، پیمانکاران می باشند و این سندیکا بعنوان صنف آبادگران عرصه سازندگی و وظیفه خود می داند در شرایط حساس کنونی در جهت اعتلای نام ایران اسلامی با هدف تعامل حداکثری توان تجربی و نیروی کارشناسی خود را در اختیار نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی برای تدوین قوانین مورد نیاز کشور قرار داده و امکان حضور در کمیسیونهای مجلس به ویژه کمیسیونهای اقتصاد، عمران و اجتماعی فراهم گردد لذا از آن اتاق بازرگانی ایران درخواست می گردد، زمینه های این همکاری مشترک فراهم آید تا به مدد آن علاوه بر تدوین قوانین بهتر، اجرای آنها نیز به صورت کارآمدتر صورت گیرد.

یا سپاس
ابرج کلاننویسی
دیبر





"به نام خدا"

حضور گرامی جناب آقای دکتر محمد مسیحی

معاونت محترم درآمدهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور

موضوع: اجرای بند «ز» تبصره «۸» قانون بودجه سال ۹۸ و بند «م» تبصره «۶» قانون بودجه سال ۹۹

با سلام،

احتراماً؛ همانطوریکه مستحضرید بند «ز» تبصره «۸» قانون بودجه سال ۹۸ اعلام می‌دارد: "در معاملات بیمانکاری که کارفرما یکی از دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری است کارفرما موظف است همزمان با هر پرداخت، مالیات برارزش افزوده متناسب با آن را به بیمانکار پرداخت کند. تا زمانی که کارفرما مالیات بر ارزش افزوده را به بیمانکار پرداخت نکرده باشد، سازمان امور مالیاتی کشور حق مطالبه آن را از بیمانکار یا اخذ جریمه دیرکرد از وی نخواهد داشت. در مواردی که بدهی کارفرما به بیمانکار به صورت اسناد خزانه پرداخت می‌شود در صورت درخواست بیمانکار، کارفرما موظف است این اوراق را عیناً به سازمان امور مالیاتی کشور تحویل دهد..."

شرکتهای بیمانکاری به استناد قانون مذکور آن بخش از مالیات بر ارزش افزوده دوره‌های سال ۹۸ را که از کارفرما دریافت نکرده، به سازمان امور مالیاتی کشور پرداخت نکرده‌اند و اسناد مثبت لازم را به واحدهای مالیاتی ارائه نموده‌اند لیکن سازمان امور مالیاتی متأسفانه مبلغ پرداخت نشده را به عنوان بدهی شرکتهای مذکور منظور نموده و در سامانه اداره حسابهای دارائی بدهکار اعلام می‌نماید در نتیجه امکان هرگونه معامله اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول که نیاز به استعلام از سازمان امور مالیاتی را دارد از شرکتهای سلب و در نتیجه کسب و کار و فعالیت این شرکتهای مختل می‌گردد.

خواهشمند است با بررسی موضوع طی دستورالعملی دستور فرمایند اقدام لازم سامانه مزبور از سوی ادارات مالیات بر ارزش افزوده اصلاح گردد و از دستورالعمل صادره این سندیکا را مطلع فرمایند.

پیشاپیش از دستوری که صادر می‌فرمایند، سپاسگزار می‌نمایم.



رونوشت: اداره کل حسابرسی و فنی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور جهت استحضار تقدیم می‌گردد.
رونوشت: جناب آقای دکتر سلاح ورزی قائم مقام دبیر شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی جهت استحضار ایفای می‌گردد.
رونوشت: دبیرخانه





پاوان شرکت ساختمانی (سهامی خاص)
PAVAN construction co.

بلوار آفریقا - خیابان گلفام - شماره ۳
تهران - کدپستی: ۱۹۱۵۶۸۶۵۱۴
تلفن: ۲۲۰۲۴۳۰۵ - ۲۲۰۲۴۳۳۵
فکس: ۲۲۰۲۴۲۴۹

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

شماره: ۹۹-۵۶۵

پیوست: ندارد

جناب آقای دکتر گلابتونچی

دبیر محترم سلدیکای شرکت های ساختمانی

موضوع: بند "ز" تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۸

احتراماً، به استحضار می رساند این شرکت به استناد بند "ز" تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ آن بخش از مالیات ارزش افزوده دوره سه ماه سوم و چهارم سال ۹۸ را که از کارفرما دریافت نکرده، به سازمان امور مالیاتی کشور پرداخت نکرده است. سازمان امور مالیاتی مبلغ پرداخت نشده را به عنوان بدهی این شرکت منظور نموده و در سامانه اداره حسابهای دارایی بدهکار اعلام نموده و در نتیجه امکان هرگونه معامله اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیر منقول که نیاز به استعلام از سازمان امور مالیاتی را دارد از این شرکت سلب شده است. خواهشمند است مقرر فرمائید مراتب جهت اصلاح در سامانه به سازمان امور مالیاتی اعلام گردد.

با احترام
شرکت ساختمانی پاوان



,Golfam St.,Africa Blvd.,Tehran 1915686514
220 24 305 - 220 24 335 Fax: 220 24 249
pavanco.com E-mail:info@pavanco.com



پیام آبادگران
مردادماه ۱۳۹۹
شماره ۳۸۸

کاهش قیمت تامین مصالح ساختمانی با استفاده از قرارداد تهاتر



ختائی، تاکید کرد: نرخ کارمزدهایی که در این زمینه پرداخت می شود ۲٫۵ درصد است و به هیچ عنوان در این بخش تحریم ها و یا نوسانات اقتصادی تاثیر نخواهد گذاشت.

ختائی، تصریح کرد: با استفاده از این تهاتر کارت ۶۰ درصد از قیمت تمام شده ساخت مسکن در بازه زمانی دو تا سه ساله می تواند کاهش ۱۰ درصدی برای سازندگان به همراه داشته باشد، اما به این شرط که در این زمینه قیمت ها تغییر محسوسی نداشته باشند.

این مقام مسئول اضافه کرد: با روش تهاتر در حوزه تامین مصالح ساختمانی می توان واحدی را ارزان ساخت و البته صحبت هایی هم برای حضور در طرح های بازآفرینی شهری شده است، درباره نوسازی بافت های فرسوده هم مذاکراتی انجام شده، اما قراردادی در این بخش منعقد نشده است.

مدیرعامل بازار تهاتر ایران با تاکید بر اینکه هدف ما این است که ظرفیت های خالی را در کارخانجات فعال کنیم گفت: ما به دنبال آن هستیم که جهشی در فروش و تولید مسکن ایجاد کنیم و بتوانیم ظرفیت کارخانه در این زمینه فعال کنیم ایجاد بازار فروش باعث ایجاد جهش در تولید می شود و زمانی که فروش کارخانه جات افزایش یابد تولید هم رونق خواهد یافت.

فروش اقساطی مصالح با استفاده از روش تهاتر

وی با بیان اینکه فراخوانی به کارخانجات صنعت ساختمان ارائه کرده ایم گفت: در این فراخوان آمده اگر فروش عمده داشته باشند از طریق تهاتر آن ها را خریداری و در اختیار سازندگان قرار خواهیم داد و همچنین به بانک ها هم اعلام کرده ایم اگر املاک مازادی هم دارند آن ها را در اختیار سازندگان فعال در صنعت ساختمان قرار دهند.

ختائی، توضیح داد: از جمله مزیت های کار تهاتر مصالح ساختمانی آن است که می توانیم تمامی مصالح ساختمانی را با فروش اقساطی به سازندگان بدهیم که از این طریق ارزان تر و به صرفه تر برای سازندگان می شود.

مدیرعامل بازار تهاتر در پایان تاکید کرد: اگر متوسط سالیانه یک میلیون واحد مسکونی تولید شود نیاز مسکن کشور تامین می شود و استفاده از مصالح ساختمانی در این بخش نقش بسیار موثری در حوزه مصالح ساختمانی بر جای خواهد گذاشت.

۹ مرداد - فارس

نایب رییس انجمن سازندگان و تولیدکنندگان مسکن، گفت: با روش تهاتر در حوزه تامین مصالح ساختمانی می توان واحدی را ارزان ساخت و البته صحبت هایی هم برای حضور در طرح های بازآفرینی شهری شده است. علاءالدین ختایی، نایب رییس انجمن سازندگان و تولیدکنندگان مسکن، در گفتگو با خبرگزاری فارس، ضمن بیان اینکه شرایط اقتصادی کشور و نوسانات موجود در این بازار باعث شده که هزینه های ساخت مسکن به شکل چشمگیری افزایش یابد، گفت: هدف تهاتر، ساخت مسکن ارزان است و در همین زمینه اقدامات بسیار زیادی در حوزه کاهش قیمت مصالح ساختمانی را در دستور کار خود قرار داده ایم. همچنین در این زمینه هم قراردادهایی را با بخش های مختلف منعقد کرده ایم.

وی با اشاره به اینکه قیمت مصالح ساختمانی در مقایسه با سال گذشته بیش از ۳۵ تا ۴۰ درصد افزایش قیمت داشته است، افزود: در سال گذشته مسکن مهار نشد و ما نتوانستیم قیمت تمام شده ساخت مسکن را کاهش دهیم.

این مقام مسئول، توضیح داد: قراردادی که با سازندگان انبوه سازان و سایر دستگاه ها منعقد می شود باعث کاهش قیمت تمام شده ساخت مسکن می شود و در نتیجه این کاهش قیمت ها باعث می شود که مسکن ارزان قیمتی به دست متقاضیان برسد.

تفاهم نامه تهاتر برای ساخت ۱۰۰ هزار واحد مسکونی

ختائی با اشاره به اینکه بازار تهاتر ایرانیان در قالب تهاتر کارت قراردادی با وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن و ستاد اجرایی فرمان امام برای ساخت ۱۰۰ هزار واحد مسکونی منعقد کرده است، ادامه داد: در این تفاهم نامه سعی شده مصالح ساختمانی مورد نیاز برای این واحدها را تامین کنیم و در ازای آن واحد مسکونی و یا تامین مصالح ساختمانی در سایر شهرها را تهاتر کنیم.

نایب رییس انجمن سازندگان و تولیدکنندگان مسکن بیان کرد: در این زمینه بنیاد مسکن و ستاد اجرایی فرمان امام همکاری های بسیار خوبی داشته و در بسیاری از شهرها از جمله آذربایجان شرقی، گلستان و غیره این تهاترها انجام شده، اما با توجه به بخشنامه هایی که وزارت راه و شهرسازی به ادارات کل صادر کرده است هنوز در شهر تهران برای استفاده از کارت مصالح ساختمانی اقدامی صورت نگرفته است.

۶۰ درصد از قیمت تمام شده ساخت مسکن، مصالح ساختمانی است

ختایی با اشاره به اینکه ۶۰ درصد از قیمت تمام شده ساخت مسکن به دستمزد و تامین مصالح ساختمانی باز می گردد تاکید کرد: ۳۰ درصد از قیمت ساخت مسکن مربوط به دستمزد، ۳۵ درصد مربوط به مصالح ساختمانی عمومی از جمله کاشی و سرامیک است و ۲۵ درصد قیمت مسکن هم مربوط به مصالح ساختمانی پایه از جمله میلگرد آهن و ۱۰ درصد هم مربوط به بخش حمل و نقل مربوط می شود.



ضوابط تعدیل



پس از سالها حضور فعال صنفی و به پشتوانه هزاران نفر/ساعت تجربه مهندسی و فعالیت عمرانی اعضا در کشور، سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران با توجه به مشکلات پیش روی شرکتها برآن شد تا با تدوین مجموعه ای کاربردی از ابهامات و مشکلات پیمانکاران در حوزه های مختلف که توسط سندیکا و با مکاتبات رسمی با سازمان برنامه و بودجه و نظام فنی و اجرایی حل و فصل شده است، سعی در رفع مشکلات مشابه و افزایش دانش فنی پیمانکاران در امور قراردادی و فنی باشد.

این مجموعه در جلدهای مختلف منتشر می گردد که در هر جلد به موضوعی خاص با فهرستی تخصصی تنظیم شده است. پرسش اولیه، بررسی کارشناسی و پاسخ نهایی از سوی سازمان برنامه و بودجه و یا ارگانهای مرجع مرتبط با موضوع در اختیار متخصصین گرامی قرار دارد.

این مجموعه موضوعی با نام **”مجموعه پرسش و پاسخ در ارتباط با امور پیمانکاری“** همچون جعبه ابزاری برای شرکتهای مهندسی پیمانکاری است و به مدیران و مهندسان امکان مطالعه دانش تجربی قوانین و مقررات را بدون حضور در مجامع صنفی تخصصی فراهم می نماید. قبل از آنکه گرفتار مشکلات گردید با مطالعه تجربیات رخ داده توسط پیمانکاران دیگر خود را از بروز مشکلات ایمن نمایید و در صورتی که دچار مشکل گشته اید با مطالعه آن از مسیر صحیح نسبت به حل آن اقدام نمایید. این یک پیشنهاد صنفی تخصصی است که سالها تجربه شده است. همسو بودن با دانش تخصصی جمعی.

جلد چهارم این مجموعه با موضوع **”ضوابط تعدیل“** تهیه و تدوین شده است و شامل مهمترین ابهامات و سوالات شرکتهای پیمانکاری با موضوع ”ضوابط

تعدیل“ می باشد که توسط سندیکا در طی سالها فعالیت و ارتباط با سازمان برنامه و بودجه کشور جمع گشته است.

هر سوال با پاسخ کارشناسی و رسمی سازمان برنامه همراه بوده و شما می توانید با در اختیار داشتن تصاویر آن پاسخ، نسبت به استناد در دعاوی نیز اقدامات لازم را بعمل آورید. امکان مطالعه فهرست این جلد و اطمینان

از موضوع ابهام مورد نظر درج شده در هر جلد از این مجموعه برای تمامی فعالین حوزه صنعت احداث در وبسایت رسمی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران (acco.ir) و همچنین سفارش و تهیه آن یا از طریق سایت یا با شماره های ۶۶۴۴۴۲۶۱ و ۶۶۴۰۲۰۳۷ داخلی ۱۰۰ و ۱۴۰ میسر است.

